



اللَّهُمَّ تَسَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَحْسِنْ لِقَاتِهِمْ

# عربي، زبان قرآن

پایه نهم

دوره اول متوسطه





وزارت ملی آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

فرماندهی عالی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

تشریح یافته‌های کتابخانه ملی و مراکز پژوهشی  
مجموعه آثار و معارف علمی ارزشمند، علمی پژوهشی، علمی کاربردی، علمی آموزشی، علمی فرهنگی و علمی اجتماعی  
پژوهش‌های علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی  
مجموعه آثار و معارف علمی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی

این کتابخانه و مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

امروزه با پیشرفت‌های علمی و فناوری، نیاز به منابع علمی و پژوهشی متنوع و گسترده دارد. این کتابخانه و مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با هدف پاسخگویی به این نیازها، مجموعه‌ای از آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی گردآوری کرده است. این مجموعه آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی، شامل آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی است. این مجموعه آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی، شامل آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی است.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۱، ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۲، ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۳  
وبسایت: [www.atefbook.ir](http://www.atefbook.ir)، [www.atefbook.ir](http://www.atefbook.ir)

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۱، ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۲، ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۳  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۱، ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۲، ۰۲۱-۸۸۳۱۱۳۱۳

سال ۱۳۹۷  
شابک: ۹۷۸-۹۶۸-۳۱۳-۳۱۳-۰

این کتابخانه و مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با هدف پاسخگویی به نیازهای علمی و پژوهشی، مجموعه‌ای از آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی گردآوری کرده است. این مجموعه آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی، شامل آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی است. این مجموعه آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی، شامل آثار و معارف علمی و پژوهشی، علمی و فرهنگی، علمی و اجتماعی، علمی و آموزشی است.

نام کتاب  
مجموعه آثار  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
تلفظ: (پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)

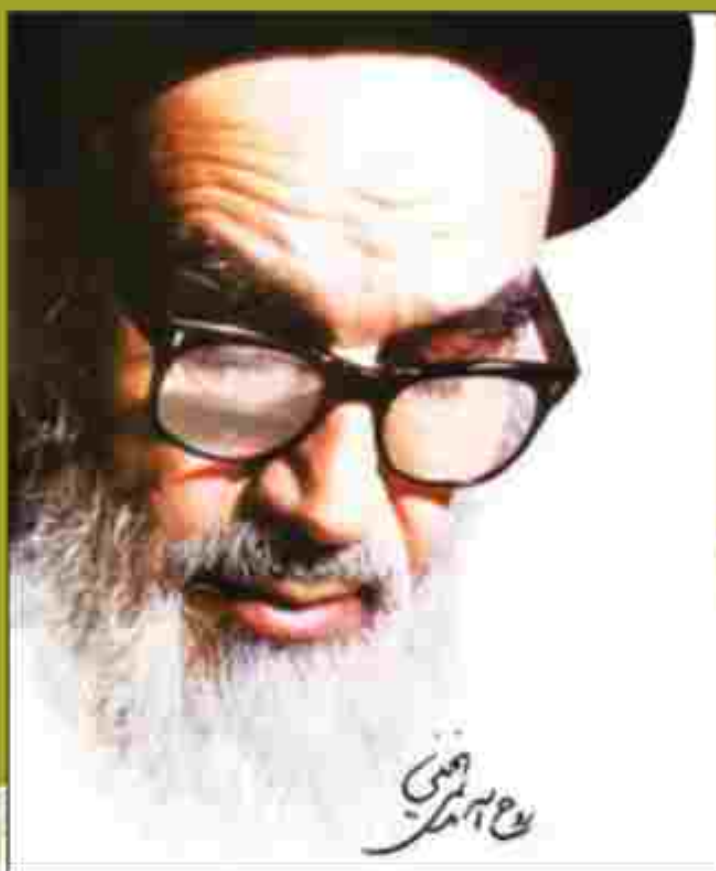
موضوع کتاب  
تلفظ: (پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)

نویسنده کتاب

شماره

موضوع

سال انتشار و تجدید چاپ



لغت عربی از مااست. لغت عربی لغت اسلام است.

مجله انعام خبیر البشر، جلد ۱۱، صفحه ۲۲۷

١١	مراجعةُ دروس الصف السابع و الثامن	الدرس الأول
٢١	الحبور الأمن	الدرس الثاني
٢٧	جسر الصداقة	الدرس الثالث
٤٩	الضبو مفتاح الفرج	الدرس الرابع
٦١	الرجاء	الدرس الخامس
٧٥	تحييد الحياة	الدرس السادس
٨٧	شجرة الجد	الدرس السابع
٩٩	خوار بين الزائر و سائق سيارة الأجرة	الدرس الثامن
١١١	نصيحة حول الصحة	الدرس التاسع
١٢٥	رسالة الشهيد سليمان	الدرس العاشر



دبیر باید برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه هفتم و هشتم را تدریس کرده باشد؛
۲. دوره آموزشی - توجیهی (حتموری یا مجازی) را گذرانده باشد؛
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) را مطالعه کرده باشد.

خدای مهربان را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش سومین کتاب درسی عربی زبان قرآن به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم.

رویکرد «برنامه درسی عربی» بر اساس «برنامه درسی ملی» این است:

**«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»**

شیوه کتاب متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده عربی را در حد ساختار خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب ۲۲۹ واژه جدید به کار رفته؛ اما بخش بسیاری از ۵۷۳ واژه عربی هفتم و هشتم نیز در آن تکرار شده است؛ پس در حقیقت هدف سه کتاب عربی دوره اول متوسطه، آموزش حدود ۸۰۰ واژه پرسامد زبان عربی است.

کتاب بر اساس اسناد بالادستی، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده نقشه راه برای تألیف کلیه کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات موثقی کتاب‌های عربی پیشین و کتاب‌های آموزش زبان سایر کشورها توجه شده است.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات، متون و تمرین‌های کتاب امروز بر آموزش زبان عربی، به ایجاد تدریسی و فرهنگی نیز توجه دارند.

## مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزش‌یابی کتاب

1 کتاب عربی پایه نهم در ده درس تنظیم شده است و هر درس در دو جلسه آموزش تدریس می‌شود.

2 این کتاب همچون دو کتاب عربی پایه هفتم و هشتم متن محور است و بر ترجمه، درک و فهم و واژه‌شناسی تأکید می‌شود.

3 ساختار آموزشی کتاب، افزون بر یادآوری مفاهیم دو کتاب پیشین، فعل‌های امر و نهی، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و ریشه کلمات و ساعت‌خوانی است. هدف در آموزش فعل، تنها شناخت انواع فعل است. دانش‌آموزان فعل را در جمله معنا می‌کنند. همچنین باید فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی و مستقبل را در جمله تشخیص دهند. هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند؛ مثلاً: «شاهدت أخي العزيز في المسجد» در وزن و حروف اصلی نیز به آموزش مفهوم دو وزن فاعل و مفعول پرداخته شده است. همچنین در یکی از تمرین‌ها ماضی و مضارع باب‌های ثلاثی عربی آمده است. اما آموزش ثلاثی مزید مطلقاً از اهداف این کتاب نیست. این تمرین صرفاً جهت آشنایی مختصر و سطحی با این بحث است. در ساعت‌خوانی نیز فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده است و ساعتی مانند «چهار و بیست و پنج دقیقه» از اهداف کتاب نیست.

4 آنچه را دانش‌آموز در زمینه قواعد ضروری نیلأ دارد به تدریج خواهد آموخت؛ لذا نیازی به ارائه جزوه مکتب نیست.

5 کارهایی مانند اجرای گروهی مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

6 از بخش «ارتعینات» و «قرائات» افزون بر ترجمه و کاربرد واژگان می‌توان در مهارت شفاهی به صورت گفت‌وگویی میان دانش‌آموزان نیز بهره برد. هدف حفظ معین عبارات این بخش نیستند. فراگیر می‌تواند تغییراتی مانند کاهش و افزایش در متن انجام دهد.

7 آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده است. لذا به ویژه از اولیای دانش‌آموزان که با سبک گذشته خو گرفته‌اند و می‌خواهند به فرزندانشان کمک کنند درخواست می‌شود به این مطلب مهم توجه کنند. آموزش ضمائر و صیغه‌های افعال بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هُما، هُم، هي، هُما، هُنَّ، أنت، أنتما، أنتم، أنت، أنتن، أنتنَّ، نحن) هرچند تدریس فعل به شیوه بومی‌سازی است؛ لَمَّا اشكالي ندارد که در پایان آموزش به منظور تثبیت آموخته‌ها به شیوه مرسوم در صرف عربی عمل کرد؛ اما هدف حفظ طوطی‌وار صرف فعل نیست. دانش‌آموز باید ضمائر متصل (شناسه‌ها) را بشناسد؛ مثلاً با دیدن «نم» در فعل‌هایی مانند «كُنْتُمْ»، «ذَهَبْتُمْ»، و «جَلَسْتُمْ» و دیدن «-تَ» و «-ون»



در فعل‌هایی مانند «تَكْتُبُونَ»، «تَذْهَبُونَ» و «تَجلسُونَ» معنای آنها را تشخیص بدهد. نه اینکه فعل‌های ماضی یا مضارع را صرف کند تا به «فَعَلْتُمْ» و «فَعَلْتُمْ» برسد. آنگاه معنای آنها را تشخیص بدهد.

همین‌که دانش‌آموز فعل «ذَهَبَ» را در جمله‌ای مانند «الطَّلَابُ ذَهَبُوا إِلَى مَدْرَسَتِهِمْ» یا فعل «اذْهَبُوا» را در جمله‌ای مانند «أَيُّهَا الطَّلَابُ، اذْهَبُوا إِلَى صُفُوفِكُمْ» درست معنا می‌کند و فرقی «اذْهَبُوا» را با «ذَهَبُوا» می‌داند، هدف آموزشی برآورده شده است و نیازی نیست که در ارزشیابی از او بخواهیم صیغه «ذَهَبُوا» را «جمع مذکر غائب» یا معادل «مجموع شخص جمع» بگوید. هرچند در تدریس از این اصطلاحات استفاده می‌کنیم؛ اما نباید آنچه که وسیله‌ای برای فهم بهتر فعل است، خودش به هدف اصلی تبدیل شود. آموزش و ارزشیابی از فعل در قالب جمله است. یکی از راه‌های موفق در تدریس فعل شیوه نمایشی است.

دبیر مجاز است حل بخشی از تمرینات را برعهده دانش‌آموز بگذارد و در کلاس رفع اشکال کند تا دچار کمبود وقت نشود.

فعالیت اصلی برای یادگیری برعهده دانش‌آموز است و دبیر نقش راهنمای آموزشی دارد؛ برای نمونه ترجمه متن درس را دانش‌آموز انجام می‌دهد و در کلاس، اشکالات خود را برطرف می‌کند.

بهترین راه برای موفقیت در درس عربی، مطالعه قبل از تدریس معلم است.

این کتاب مکتب و پشتیبان آموخته‌های دو کتاب پیشین در زمینه واژگان و ساختار است. در بخش «بدانیم» آموزش ساختار زبان به کمک تصاویر صورت گرفته است. هدف از دو بخش «بدانیم» و «فَنَ ترجمه» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمکشان درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند.

گرچه در بخش «المعجم» آغاز هر درس مضارع فعل‌هایی مانند «قال»، «دعا» و «اجاب» نوشته شده است ولی ساختن فعل مضارع این فعل‌ها از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز فقط باید فعل ماضی و مضارع را بشناسد و معنای آن را بداند؛ مثلاً در «قال - يقول» لازم نیست بداند مضارع فعل «قال» چیست؛ بلکه باید بداند معنای «يقول» چیست. او باید در اثر تکرار کلمات در متن کتاب به تدریج «قال - يقول» را بشناسد.

از طرح سؤال در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود.

«ساخت جمله عربی» مد نظر نیست؛ اما در بخش مکالمه یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ اما در مکالمه دانش‌آموز باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست.

تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غایب» یا «جمع به مفرد یا مثنی» و موارد مشابه از اهداف این کتاب نیست و باید از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی خودداری کرد.  
مثال:

این جمله را به مضارع تبدیل کنید: ذَهَبْتُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ وَ لَيْتَ مَا ذَهَبْتُ  
جمله زیر را با توجه به کلمات داده شده بازنویس کنید:

اَكْتُبْ وَاجْتَنِبْكَ يَا اَخِي  
يَا اَلْحَبِشِي

18 رُوخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

19 در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا تیزی به دفتر تمرین نباشد. به جای این که وقت دانش‌آموز صرف نوشتن شود باید بیشتر صرف مهارت‌های زبانی خواندن، شنیدن و فهمیدن گردد. رونویسی دروس و املا در هیچ یک از سه کتاب عربی لازم نیست.

20 از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا هدف کتاب‌های درسی عربی متوسطه دوم ادامه و تکمیل روش این کتاب هستند.

اگر تعامل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

[www.arabic-dept.talif.sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)

نشانی وبگاه گروه عربی:

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.





أَيْتَعَهَا الطَّالِبَاتُ، السَّلَامَ عَلَيْكُنَّ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُنَّ.



أَيْتَعَهَا الطُّلَابُ، السَّلَامَ عَلَيْكُمْ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.



السَّلَامُ عَلَيْنَكُمْ؛  
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ؛  
كَيْفَ حَالِكُمْ؟



# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



أَهْلًا وَسَهْلًا بِالْحَرِيفِ



## مراجعة دروس الصف السابع و الثامن

المعجم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه جدید)

یادگیری معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق شود.

درخواست کرد، پرسید (مضارع: يسأل)	سأل:	ایستادن التَّصَوُّرُ (الأمْنُ: عبور و مرور ایمن)	آمن:
سخن‌ها «مقرر» شدند»	جمعاً:	شروع شد (مضارع: يبتدئ)	ابتداءً:
سال	عام:	آرزو می‌کنم	أنتهي:
علم درسی، سال تحصیلی	علم:	پسران	بنين:
برخواستن	قيام:	دانش آموزانته شد (مضارع: يتخرج)	تخرج:
مرگ « موت » حیات	مات:	دانش آموزان «مقرر» تعلیم»	تلاميذ:
گذرگاه بنیاده (اشارة یعنی یادگان و جمع مائلی است)	عمراً الشارة:	بزرگ، بزرگوار، بزرگ	جداً:
		(ماضی: أخذ، مضارع: يأخذ)	
پارک آموزش ترفیح	منطقة تعليم الفرحة:	تحصیل، درس خواندن	دراسة:
		«دراسی» تحصیلی»	
می‌مانیم	نبقی:	درس داد	درس:
(ماضی: بقی / مضارع: یبقی)		(مضارع: یُدْرَسُ)	
ششون، می‌مانید			
هان	ها:	راهن	ذهاباً:
		فَرِحُوا (الذهاب: می‌خواهید بروید)	
شمار می‌دهد (ماضی: حذرت)	يُحذِرُ:	بنیادهرو	تأسيساً:
راه می‌روند	يَسْجُرُونَ:	زیاد کرد، زیاد شد (مضارع: يزيد)	زاداً:
(ماضی: سجن / مضارع: يسجن)		زیارت کرد (مضارع: يزور)	زاراً:



## أَهْلًا وَسَهْلًا

يَتَقَدِّئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطُّلَّابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛ هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ وَ يَعْشَوْنَ عَلَى الرُّسُفِ وَ يَعْبُرُونَ مَمَرُ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمِنِ؛ الشُّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ النِّبَاتِ، يَتَقَدِّئُ فَضْلَ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ قِصْلَ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

## ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي أَدْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي أَدْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي

أَحْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي أَسْأَلُ رَبِّي حَقْلَ صِطْبِي

مَنْكَتَبْنَا نُورًا وَ حَيَاةً فِيهِ دُعَاءٌ فِيهِ صَلَاةٌ

فِيهِ غُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

يَتَحَرَّرُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَ يُتَدَرَّبُ فِيهِ الْحُكَمَاءُ

هَذَا كُتِبِي أَنْوَارُ سَعَائِي مَرْحَمَةٌ، كَثْرَةٌ، كَثِدَائِي

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ أُمُورِي قَائِمٌ إِلَيَّ، ذَاةٌ سُرُورِي

١ التَّصْرِيحُ الْأَوَّلُ:

يا توجّه به تصوير پاسخ دهید.



هل هذا زميلك؟



ماذا على الشجرة؟



ليمن هذا الكتاب؟



أين مستشفى بغداد؟





كَمْ حافلة فِي التّوقّف؟



فِي أَي عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟



مَتَى تَلْعَبُنَ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ؟



هَلْ هُنَا مَنطِقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ؟



بِمِمْ يَسافِرُ الْحِجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمَكْرَمَةِ؟



يَا تَلْعِيذَاتُ، كَيْفَ حَالِكُنَّ؟

## ٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

١. واحد - اثنان - اربعة - سبعة - ثمانية
٢. الأول - الثالث - الخامس - السابع - التاسع - العاشر - الثاني عشر
٣. يوم السبت - الأحد - الثلاثاء - الجمعة
٤. الربيع - الخريف
٥. القطور في الصباح - الغداء في الظهر - في الليل

## ٣ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

١. مَنْ أَنْتَ؟
٢. كَيْفَ حَالُكَ؟
٣. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
٤. فِي أَيِّ صَفِّ أَنْتَ؟
٥. مَتَى تَبْدَأُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ فِي إِيرَانَ؟

### ۴. التفرین الرابع:

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

۱. (هُم) (تَحَنُّ) (تَجَحَّنَا)

۲. (هُم) (أَنْتُمْ) (يَنْصُرُونَ)

۳. (أَنْتِ) (أَنْتُمْ) (لَا تَكْذِبُ)

۴. (هُنَّ) (أَنْتُمْ) (وَصَلِّمْ)

۵. (أَنْتُمْ) (هُنَّ) (يَقْدِرُونَ)

۶. (هِيَ) (أَنْتِ) (مَا قَرَّبْتِ)

### ۵. التفرین الخامس:

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

۱. مَوْطِفَةٌ (طَبِيبَةٌ) (طَبَاخَةٌ) (حَقِيبَةٌ)

۲. مُحَافِظَةٌ (قَرْيَةٌ) (مَدِينَةٌ) (عَامِلٌ)

۳. بِنْتُ (أَخْتٌ) (لَوْنٌ) (جَدَّةٌ)

۴. قَدَمٌ (قَوْلٌ) (يَسَدٌ) (عَيْنٌ)

۵. بَقْرَةٌ (جَنَّةٌ) (قَرَسٌ) (سِنْجَابٌ)

۶. أُسْرَةٌ (قَمَرٌ) (كَوْكَبٌ) (شَمْسٌ)

۷. أُسْبُوعٌ (ذَهَبٌ) (شَهْرٌ) (سَنَةٌ)

۸. تَفَاحٌ (زَمَانٌ) (تَمْرٌ) (سَحَابٌ)



## ٦ الثَّمَرِينِ السَّادِسُ:

هر كلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک كلمه اضافه است»

- |                      |   |   |
|----------------------|---|---|
| ١. كَرَّةُ الْقَدَمِ | ● | مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْقَطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ. |
| ٢. الْمَخَافَةُ      | ● | طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ، يُحَدِّرُ الْحَيَوَانَاتِ مِنَ الْخَطَرِ.   |
| ٣. الْمَطْعَمُ       | ● | هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.      |
| ٤. الْمَاءُ          | ● | رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَعَشَرَ لَاعِبًا.                        |
| ٥. الْعَابَةُ        | ● | أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.                            |
| ٦. الْعُرَابُ        | ● | وَقْتُ نِهَآيَةِ النَّهَارِ وَ بَدَايَةِ اللَّيْلِ.                     |
| ٧. الضُّيْفُ         | ● |   |

## ٧ الثَّمَرِينِ السَّابِعُ:

در جای خالی، یکی از کلمه های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است»

عَلَيْكَ - ذَهَبِيَه - الْجُلُوسُ - الْحَجَرُ - الْجَاهِلُ - الْأَمَانُ - الضُّعَابُ

١. أَذْتُ الْمَرْءِ، حَمِيرٌ مِنْ \_\_\_\_\_ .
٢. أَلْعَلِمُ فِي الصُّغْرِ، كَالشَّمْسِ فِي \_\_\_\_\_ .
٣. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ ؛ الصُّحَّةُ وَ \_\_\_\_\_ .
٤. السُّخْرُ يَوْمَانِ ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ \_\_\_\_\_ .
٥. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، حَمِيرٌ مِنْ صِدَاقَةِ \_\_\_\_\_ .

## ۸ التفرین الثامن:

متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

کثیر - لیل - نهایه - قریب - جمیل - صداقة - یمین - غالیة - شراء - قرح - کذب - حار

رَحِيصَةٌ ≠	بَعِيدٌ ≠	يَسَارٌ ≠
بَيْحٌ ≠	بِدَايَةٌ ≠	بَارِدٌ ≠
حَزَنٌ ≠	قَبِيحٌ ≠	صَدَقٌ ≠
قَلِيلٌ ≠	عَدَاوَةٌ ≠	نَهَارٌ ≠

## ۹ التفرین التاسع:

این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق - فلاحان - شجرة - رياضون - سيدات - مَدْرَسَاتُ

_____	مفرد مؤنث
_____	مثنای مذکر
_____	مثنای مؤنث
_____	جمع مذکر سالم
_____	جمع مؤنث سالم
_____	جمع مکثر

## الأربعينيات

### الشرطيّ و الزائر

- |                              |   |
|------------------------------|---|
| - أهلاً و سهلاً بكم!         | - شكراً. ساعدك الله!                              |
| - كم يوماً تبثون في العراق؟  | - تبقي أسبوعين.                                   |
| - إلى أيّ مدن تريدون الذهاب؟ | - إلى النجف و كربلاء و الكاظمية و سامراء.         |
| - كم يوماً تبثون في النجف؟   | - تبقي يومين.                                     |
| - و كم يوماً في باقي المدن؟  | - في الكاظمية و سامراء يومين، و الباقي في كربلاء. |
| - أتمنى لكم زيارة مقبولة!    | - حفظك الله!                                      |
| - حذّ جوازك، في أمان الله!   | - شكراً جزيلاً. في أمان الله و حفظه!              |

من زارنا في مسائنا فكأنما زارنا في حياتنا.

الإمام الضعيف ١٤٣١



١- قال، قالها، كوي!





## الدَّرْسُ الثَّانِي

### الْعُبُورُ الْأَمِينُ



## الدَّرْسُ الثَّانِي

المُعْجَم: (٢٩ كلمة جديدة)

سَخِرَ:	پوشاند، پنهان کرد	أَمِنَ:	ایمان آورد (مضارع: يُؤمِنُ)
شاحِلُ الجَوَالِ:	شارژر موبایل	أَحْبَبَ:	محبوب ترین
شَقَاوَةٌ:	بدبختی	إِشَارَاتُ الطَّرِيقِ:	علامت‌های راهنمایی و رانندگی
صَحِيفَةٌ:	روزنامه «جمع: صُحُف» صحیفهٔ چهاررشته‌ای: روزنامه دویاری	إِدَارَةُ المُرُورِ:	اداره راهنمایی و رانندگی
صَدَمَ:	برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ)	مُرُورٌ:	گذر کردن
طَجَأَةٌ:	ناگهان	أَنْضَحَ:	اندرزگوترین
قُبِحَ:	زشتی	أَيُّ امْكَانٍ هَازِدٌ بِرِكَدِي؟	آیا امکان دارد برگردی؟
لَقْدَ:	قطعا	كُوبَةٌ:	گوبه کردن، گوبه
لَمَ:	برای چه (ل + ما)	نَالِي:	بعدی
مَادَ:	آنچه	أَلْيَوْمَ الثَّلَاثِي:	روز بعد
مَحَلٌّ:	مغازه	بِهَ عَنِ مَدِي:	به عن می‌دهی
مَعَ الأَسْفِ:	متأسفانه	أَنْ تُعْطِيَنِي:	که به من بدهی
مَادَى:	سدا: زد (مضارع: يُمَادِي)	بِقَرْبَا:	بقرینا
مَادَى:	آرام	تَكَلَّمُ:	صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)
مَشَدُونٌ:	می‌بندند	تَوْجَدُ:	وجود دارد
(مَالِي: مَدَى / مضارع: يَمُدُّ)		جِهَةٌ:	جهت (مسیر)
		ذَكْنِي:	باهوش
		رَقْدٌ:	بستری شد، خوابید
			(مضارع: يَرْقُدُ)

## العبور الآمن

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُمِّهِ، بَدَأَ بِ**الْبُكَاءِ فَبَنَاءً** وَ ذَهَبَ إِلَى عُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ **تَكَلَّمَ** مَعَهُ وَ سَأَلَهُ:

«لِمَاذَا مَا أَكَلْتِ الطَّعَامَ؟»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»

قَالَ: «نَعَمْ: أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَهَادِيٌّ.»

مَاذَا حَدَّثَ لَهَا؟»



أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛

**صَدَعَتْهُ سَيَّارَةٌ**؛ وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛

**نَادَيْتُهُ**؛ فَقَصَّدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَ مِنْ غَيْرِ مَمَرِ الْمَشَاةِ؛ فَفَرَّقَتْ

مِنْهُ سَيَّارَةٌ وَ صَدَعَتْهُ، كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً.»

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟»

قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ.»

فِي الْيَوْمِ **التَّالِي**، طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ **الْمُرُورِ** وَ رَسَمَ

**إِشَارَاتِ الْمُرُورِ** فِي **صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ** وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ.

ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مَنطِقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

وَ بَعْدَ يَوْمَيْنِ، جَاءَ شُرَطِيُّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ **إِدَارَةِ الْمُرُورِ** لِشُرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ

طَلَبَ مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ.

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا غَلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيهَا.



درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.



۱. كَانَ مَوْضُوعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينِ الْمُرُورِ.

۲. الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مَنطِقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

۳. رَقَدَ حَسِينٌ فِي مَسْتَوَافٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.

۴. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا.

۵. أَبُو سَجَادٍ مَا عَرَفَ حَسِينًا.



سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

\_\_\_\_\_ رافع، مَرْفُوع، رُفِعَ

\_\_\_\_\_ ناظر، مَنظُور، نُظِرَ

\_\_\_\_\_ قادر، مَقْدُور، قُدِرَ

حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند: «حروف زائد» نامیده می‌شوند.

این حروف معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.

حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف «ف، ج، ل» ستجیده می‌شوند.

مُ	ج	ا	ل	ف	ع	مُجَالَسَةٌ
مُ	ف	ا	ع	ل	ف	مُفَاعَلَةٌ

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند: مثال:

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِرٍ عَارِفٍ ظَالِمٍ فَاتِحٍ قَاتِلٍ ضَارِبٍ رَافِعٍ
مَفْعُول	مَنْصُورٍ مَعْرُوفٍ مَظْلُومٍ مَفْتُوحٍ مَفْتُولٍ مَنصُوبٍ مَرْفُوعٍ

کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مفعول است؟

مَقْطُوع، حَامِد، عَابِد، مَذْکُور



با معنای دو وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول» آشنا شوید.

معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُول»

به معنای «انجام شده» است. مثال:

حامد ستاییده

مخموم ستوده شده

ترجمه کنید.

یا صانع کمال مصنوع، یا خالق کمال مخلوق؛

### تمرین

#### ۱. التفرین الأول:

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابد، معبود: \_\_\_\_\_

فاتح، مفتوح: \_\_\_\_\_

کاتب، مکتوب: \_\_\_\_\_

ضارب، مضروب: \_\_\_\_\_

خادم، مخدوم: \_\_\_\_\_

شاهد، مشهود: \_\_\_\_\_

## ۲ التَّضْرِيحُ الثَّانِي:

وزن كلمات جدول را بنویسید.

عصبر	عصارع	فأصي	ریشه
إِخْرَاجٌ	يُخْرِجُ	أَخْرَجَ	خ ر ج
تَسْلِيمٌ	يُسَلِّمُ	سَلَّمَ	س ل م
تَعَامُلٌ	يَتَعَامَلُ	تَعَامَلَ	ع م ل
تَعَلُّمٌ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمَ	ع ل م
إِسْتِخْدَامٌ	يَسْتُخْدِمُ	اسْتَخْدَمَ	خ د م
مُسَافِرَةٌ	يُسَافِرُ	سَافَرَ	س ف ر
إِنْكَسَارٌ	يَنْكَسِرُ	انْكَسَرَ	ك س ر
إِسْتِغْلَالٌ	يَسْتَغْلِلُ	اسْتَغْلَلَ	س غ ل

۱- قبل توجه به این کلمات، هدف آموزش فعل‌های ماضی و مضارع و نیز مصدر کلمات مزید است.

### ٣ الثغرين الثالث:

هر كلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل كنيد.

- |  |  |
|--|--|
| ١. قَوَانِينُ الْمُرُورِ                                   | ٧. الْمُسْتَشْفَى                                      |
| ٢. الْقَوَاعِدُ الْمُرُورِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ. | ٨. أَوْزَاقٌ فِيهَا أَخْبَارٌ وَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى. |
| ٣. الرِّصِيفُ  | ٩. جَانِبٌ مِنَ الشُّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ.         |
| ٤. الصَّحِيْفَةُ   | ١٠. مَكَانٌ مَجْهُزٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى.              |
| ٥. الْبِكَاةُ  | ١١. جَرِيَانُ الدَّمْعِ مِنَ الْحَزْنِ.                |

### ٤ الثغرين الرابع:

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ - هُمَا - هُمْ - هِيَ - هُنَّ - أَنْتَ - أَنْتُمَا - أَنْتُمْ - أَنْتِ - أَنْتُنَّ - أَنَا - نَحْنُ

	_____	من	
	_____	تو	
	_____	او	
	_____	ما	
			شما
			ایشان

## ٥ التمرين الخامس:

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است»

التالي - جداریة - شاجن - تلمیذ - الدموع - حدث

١. یا زمیلی، ما بیک؟ لِمَ أَنْتِ حَزِينَةٌ؟ ماذا \_\_\_\_\_؟
٢. التلاميذ مشغولون بتهيئة صحيفة \_\_\_\_\_.
٣. أخي \_\_\_\_\_ في الصف السادس الابتدائي.
٤. \_\_\_\_\_ جاريتي على وجه الطفلة.
٥. هل عندك \_\_\_\_\_ الهاتف الجوال؟

## ٦ التمرين السادس:

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهمانگ» است؟

١. هادي ○ سياره ○ سفينة ○ طائرة
٢. شارع ○ ساحة ○ خاتم ○ رصيف
٣. أكمل ○ رأي ○ شاهد ○ نظّر
٤. ماء ○ شراب ○ شاي ○ جار
٥. يد ○ لسان ○ سن ○ نادي



## ٧ الثغرين الشايغ:

آيه و احاديث زير را ترجمه كنيد. سپس كلماتي بر اين وزن ها در آن ها بيابيد.

فاعل: \_\_\_\_\_ يَفْعَلُ: \_\_\_\_\_ فَعَالَةٌ: \_\_\_\_\_

فِعْلٌ: \_\_\_\_\_ فِعَالٌ: \_\_\_\_\_

١. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ ﴿٢٨﴾

٢. حَسُنَ الْأَدَبُ **تَشْتَرُ قَنْحَ** الشَّمْسِ. الآية عشرين

٣. **إِنْ أَحَبَّ** عِبَادُ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ **الصَّالِحُ** لَهُمُ لِعِبَادَتِهِ. رسول الله ﷺ

٤. شَرَفُ الْعَزْزِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَضْلَى وَالشَّمْسِ الْإِسْتِغْنَى

٥. مِنْ سَعَادَةِ أَنْ آدَمَ حَسُنَ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ أَنْ آدَمَ سَوِيَ الْخُلُقِ. رسول الله ﷺ



متن زیر را بخوانید: سپس پاسخ پرسش‌های آن را بنویسید.

أَنَا ظَلَيْتُ فِي الصَّفِّ الثَّاسِعِ. اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مُهْدِيمٌ وَ لَالِيْن، هُمَا صَغِيرَتَانِ؛  
فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَعِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادُ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْإِسْرَةِ؛  
إِنَّهُ تَخْرُجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حُلُوَانِي. جَوَادُ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ  
مَدِينَةِ «سِرَاوَان» فِي مَعَاظِلَةِ «سِيْسْتَان وَ بَلُوْشِسْتَان».

١. لماذا لا تذهب مهديم و لالين إلى المدرسة؟

٢. ما اسم أكبر البنين في هذه الأسرة؟

٣. من تخرج من المدرسة؟

٤. من أين هذه الأسرة؟

٥. في أي صف إسحاق؟

٦. كم أختا لإسحاق؟





بخوانيد و ترجمه كنيد.

۱. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ الفرقان: ۱۷

---

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ التقيّد

---

۳. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ الأحزاب: ۲۱

---

۴. ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ﴾ الفرقان: ۱۷

---

۵. ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ﴾ التوبة: ۱۸

---



## الأربعينيات

- أَيْمَكُنْ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟

- لَا يَا سِرْ.

- عَفْوًا! أَعْطَيْتَنِي مَكَانًا حَتَّى أُجْلِسَ هُنَا؟

- نَعَمْ، تَفَضَّلْ.



- هَلْ يَسُدُّونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟

- نَعَمْ.

- عَفْوًا أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟

- خَلْفَ هَذَا الْبِنَاءِ.

- هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٍ لِلْعَتَمَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَاعَرَاءِ؟

- لَا، قَعِ الْأَسْفَلَ.

- أَيْمَكُنْ أَنْ تُسَاعِدَنِي؟

- لَا يَا سِرْ، أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

- أَيْنَ الْحَرَمِ؟

- عَلَى الْيَمِينِ.

- أَيُّ جِبَةٍ، بَلَا أَزِدُحَامِ؟

- هَذِهِ الْجِبَةُ، عَلَى الْبَسَارِ.

- مِنْ أَيْنَ أَشْتَرِي شَاخِزَ الْجَوَالِ؟

- مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ.

- أَيْمَكُنْ أَنْ تُعْطِيَنِي شَاخِزَ الْجَوَالِ؟

- تَفَضَّلْ.



یک روزنامه دیواری درباره معانی علائم راهنمایی و رانندگی به عربی، فارسی و انگلیسی تهیه کنید.





## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ



## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

المُعْجَم: (٢٢ كلمة جديدة)

أجرة:	کرایه، مُرد	عَضِبَ:	خشمگین شد (مضارع: يَعْضِبُ)
أخوان:	یاران، برادران «مفرد: أَخ»	عَضَبان:	خشمگین
أَعْتَدَر:	معدرت خواست (مضارع: يَعْتَدِرُ)	قَطَعَ الرِّجْمَ:	بُرده بیوند خویشان
أَعْجَز:	نا توان ترین	فَقِلَّ:	بوسید (مضارع: يُفْقِلُ)
جسراً:	پُل «جمع: جُوسر»	فَشِمَ:	تسبیم کرد (مضارع: يُفْشِمُ)
حَسِبَ:	پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)	كَشَفَ:	اشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ)
حَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا:	بیست و پنج هزار	لا تَرْكَبْ:	سوار نمی شویم «ماضی: رَكَبْتَ»
رَجاء:	امیداً «رجاء: امید»	عَضْرَنَ:	اقبالاً «جمع: مَعَارِنَ»
رَجِيم:	رانده شده	مَرَّافِقُ صِخْيَةٍ:	سرویس بهداشتی
رَغَل:	روشن کن «ماضی: رَغَلْتُ / مضارع: يُرْغَلُ»	مُعْطَل:	خراب
عَجَز:	نا توان شد (مضارع: يَعْجِزُ)	مَكْبُف:	کولر
عَدُو:	دشمن «جمع: اَعْدَاءُ»	قَرَّلَ:	پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ)



## جَسْرُ الصَّدَاقَةِ

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ. هُمَا كَانَا فِي مَرْزَعَةٍ قَلْبَج. فِي أَحَدِ الْيَوْمِ، وَقَعَتْ  
عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْبَاقُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْبَاقِ الْأَصْغَرَ «سَعِيدٌ» وَ قَالَ لَهُ:



«أَخْرِجْهُ مِنْ مَرْزَعَتِي.»

وَ قَالَتْ رَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَوْجَةِ سَعِيدٍ:

«أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.»

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْيَوْمِ طَرَّقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ:

شَاهَدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ:

«مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

أَجَابَ النُّجَّارُ: «أُبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّكْوِيدِ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا بِيَدَيْكَ.»

قَالَ النُّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟»

أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ **عَدُوِّي**؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النُّهْرِ؛ هُوَ

**قَسَمُ** الْمَرْزَعَةِ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النُّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النُّهْرَ؛ لِأَنَّهُ **غَضَبَانُ** عَلَيَّ.

عِنْدِي أَحْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي **الْمَحْزَنِ**؛ **رَجَاءُ**، إِصْنَعْ جِدَارًا حَشْبِيًّا بَيْنَنَا.»

ثُمَّ قَالَ لِلنُّجَّارِ:

«أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.»

عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَرْزَعَتِهِ مَسَاءً، تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ النُّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ

صَنَعَ **جِسْرًا** عَلَى النُّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنُّجَّارِ:

«مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَغَضِبَ أَنْ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛

فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ **قَتَلَ** أَخَاهُ وَ **اِسْتَنْزَلَ**.

ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النُّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ:

«أَنْتَ صَيَّيْتُ لِيثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.»

اِسْتَنْزَلَ النُّجَّارُ وَ قَالَ:

«جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بِأَيْدِيهِ؛

عَلَيَّ الدُّهَابُ لِصُنْعِهَا.»



إِنَّمَا لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا قَاطِعُ الرَّجْمِ وَ جَارُ السُّوءِ.

من كلام رسول الله ﷺ

با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.



۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَؤُفَةٍ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.

۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَاراً حَسْبِيّاً بَيْنَ الْأَخْوِيْنَ.

۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزُوعَةَ إِلَى خِصْفَيْنِ.

۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَمَا قَبِلَ أَخَاهُ.

۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ بِنِّ سَعِيدٍ.

### فَعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فَعْلُ الْأَمْرِ ← (يَا وَالدَّ، افْعَلْ)، (يَا بِنْتُ، افْعَلِي)





لِمَ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ الْعَجَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.



لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ الْعَجَب مَعَ زَمِيلَاتِكَ.

با فعل امر آشنا شوید. «فعل امر، درخواست از دیگران برای انجام کاری است».  
به فرقی میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل امر	فعل مضارع	شخص
افْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)	تَفْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	
افْعَلِي (مفرد مؤنث مخاطب)	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعْ: بشو	تَعْلَمِينَ: می دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِسِينَ: می آوری	اجْلِبِسي: بیاور
تَكْتُبُ: می نویسی	اكتبْ: بنویس	تُضَدِّقِينَ: راست می گویی	أضدقي: راست بگو

ترجمه کنید.

اِنْجَحْتَ عَنِ الْفِتْنَةِ.	از زعمی قَصْحاً.
ارْفَعْ عِلْمَ إِبْرَانَ.	﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾
أَطْلَبُ خَيْرَ الْأُمُورِ.	الشُّكْرِي أَمْرٌ.

۱. التفرین الأول:

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید.



۱. القِلاخُ يَعمَلُ في المزرعةِ وَ المَوظَّفُ يَعمَلُ في الإدارةِ.



۲. مَرَقَدُ الإمامِ الثالثِ في مَدِينَةِ مَشهدِ في مُحافظَةِ خَراسانِ.



۳. المَخزَنُ مَكانٌ نَجَعَلُ وَ نَحفَظُ فيهَ أشياءَ مُختَلِفَةً.



۴. بَعْدَما صَدَمَتِ سَيارةٌ عابِراً، يَأْتِي شَروطِيُّ الشُّرورِ.



۵. الجَسنُ مَكانٌ يَرفَعُ فيهَ المَرضَى لِلعِلاجِ.

۲. التفرین الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر، ترجمه کنید.



رَجاءُ، العَبي مَعنا كَرةَ المِئِصَّةِ.



رَجاءُ، العَبي مَعنا كَرةَ القَدمِ.

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ التَّوْبَةُ: ۱۹

۲. ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ الْأَعْرَابُ: ۸۲

۳. ﴿وَأَكْتُمْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ...﴾ الْأَعْرَابُ: ۱۱۶

۴. ﴿... أَنْضَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ الْأَعْرَابُ: ۱۲۲

۵. ﴿قَالَ فَاصْرُخْ مِنْهَا لِإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ الصَّافَّاتُ: ۳۵

۶. ﴿وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ الصَّافَّاتُ: ۴۰

### ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صعاب - صالحات - راجمون - زوجه - جسزین - تلمیذتان

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکرر

۱- هذِهِ اِفْتِحْ وَارْحَمْ در ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ خوانده نمی‌شود. معمولاً در قرآن روی این هذیه نشانه - می‌گذارد. ← ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾ اشاره به یعنی خدا را در غایتی که خودم کن.



## ٥ التفرين الخامس:

ترجمه كنيد؛ سپس فرقی جمله خطاب به مذكر را با جمله خطاب به مؤنث توضیح

دهید.

١. يا أختي، اِسْمِعْ كَلَامَ مُدْرِسِنَا.
٢. يا أختي، اِسْمَعِي كَلَامَ مُدْرِسَتِنَا.
٣. يا أَيُّهَا التَّلَامِيذُ، اشْكُرْ رَبَّكَ.
٤. يا أَيُّهَا التَّلَامِيذَةُ، اَشْكُرِي رَبَّكَ.

## ٦ التفرين السادس:

گزینه مناسب را انتخاب كنيد.

١. مَنْ فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.  اِسْخَذَ  اِرْحَمَ
٢. الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا \_\_\_\_\_ لِجُبُورِ الشَّيَاطِينِ.  حَسَبُوا  حَمَزْنَا
٣. سَعِيدٌ \_\_\_\_\_ الْمَرْزُوعَةَ إِلَى بَصْعَيْنَ بِذَلِكَ النَّهْرِ.  حَسِبَ  قَسَمَ
٤. عَجَزَ الْمَرِيضُ؛ فَ \_\_\_\_\_ فِي السُّتُفَى.  حَقَرَ  رَقَدَ
٥. ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ؛ فَهُوَ \_\_\_\_\_ عَلَيْكَ.  غَضَبَانُ  أَحَبُّ
٦. جَارُنَا يَغْمَلُ فِي \_\_\_\_\_ الْكِرَاسِيِّ.  مَلْعَبٍ  مَضْعٍ

## ۷. الثَّمَرِينُ السَّابِعُ:

کلمه‌های مترادف و متضاد را کنار هم بنویسید.

حَيَاة - جَمَال - تَلْمِيز - عِنْدَمَا - حَزِين - قُبْح - مَحْزُون - لَمَّا - شَقَاوَةٌ - ظَالِم -  
سَعَادَةٌ - مَمَات

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

## كثرة الحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس فعل‌های ماضی، مضارع و امر را تشخیص دهید.

۱. اِعْلَمُ اَنَّ التَّصْبِرَ مَعَ الصَّبْرِ. رسول الله ﷺ

\_\_\_\_\_

۲. لَا يَشْكُرُ اللهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رسول الله ﷺ

\_\_\_\_\_

۳. اَعْرَضَ النَّاسُ مِنْ عَجْرٍ عَنِ اَكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ. الامام عليؑ

\_\_\_\_\_

۴. إِذَا قَمَرْتُ عَلَيَّ عَبْدُ اللهِ فَأَجْعَلُ الْعَمَلَ عَنْهُ سُكْرًا لِلْمُتَزَوِّجِ الْاِمَامِ عَلِيِّؑ

\_\_\_\_\_

۵. اَلْعِلْمُ وَالنَّمَالُ دُشْرَانِ كُلُّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ بِكَيْفِيَّتَيْنِ كُلُّ عَيْبٍ. رسول الله ﷺ

\_\_\_\_\_

۱- العلم: پیروی

۲- حرف ناله در ناخفته، در جمله «... اجعل العَمَلَ» بر این زحمتی تلفظ علامت کثرت کرده است؛ زیرا تلفظ دو

حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است (اجعل العَمَلَ)

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان و لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

---



---



---



---



### الأربعینات

#### عند السائق

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| - الأجرة مقطوعة. كم نقراً أنتم؟      | - كم أجرة نقر واحد؟                     |
| - أجرة كل نقر خمسة وعشرون ألف دينار. | - ثلاثة.                                |
| ...                                  |   |
| - على عيني.                          | - الجؤ حار. رجاء، عليك بالحركة يا سائق. |

- رَجَاءٌ، شَغْلُ الْمُكَيِّفِ.

- عَقْوًا؛ فَلَا تَرْكَبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.

- لَا، نَحْنُ نَتَوَلَّى. مَعذِرَةٌ.

- رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ

وَالِاسْتِرَاحَةِ.

- يَا سَائِقِي، أَيْنَ الْوُقُوفُ؟ وَ مَتَى؟

- هَلْ تَوْجَدُ مَرَاقِي صَحْبَةَ؟

- الْمُكَيِّفُ مَحْتَمِلٌ.

- افْتَحْ نَوَافِذَ الْحَافِلَةِ.

- لَا يَا سَ.

- عَلَيَّ عَيْنِي.

- فِي أَحَدِ الْمَوَاقِبِ بَعْدَ تَصْفِ سَاعَةٍ.

- نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ.



١- أداء الصلوة بعد ما نوزول من الحافلة

٢- الظروف ليستكني. توقف



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ



سَفِينَةُ الطُّلَابِ



## الدَّرْسُ الرَّابِعُ

المُعْجَم: (٢٦ كلمة جديدة)

أبحاث:	پژوهش‌ها «مفرد: بحث»	زاحمئة:	شما را به زحمت انداختم
اخترق:	آتش گرفت (مضارع: يَخْتَرِقُ)	شباب:	جوانان «مفرد: شاب» «دوره جوانی
أدب:	به جا آوردن، انجام دادن	صرخ:	خبر داد (مضارع: يَصْرُخُ)
أد:	آن گاه	الصين:	چین
أصاب:	بر خورد کرد (مضارع: يُصِيبُ)	عصف:	وزید (مضارع: يُعَصِفُ)
أفرقة:	تیم‌ها، گروه‌ها «مفرد: فريق»	فرج:	کشایش، زهلی از سختی
انكسر:	شکسته شد (مضارع: يَنْكَسِرُ)	فقد:	از دست داد (مضارع: يَفْقِدُ)
بغته:	ناگهان	محاولة:	تلاش کردن
تَقَرَّبَ مِنَّا:	به ما نزدیک می‌شود (ماضی: اقْتَرَبَ)	غشى:	کاهش (مضارع: يَغْشِي)
جامعة:	دانشگاه	مطر:	باران «جمع: أمطار»
حرب:	جنگ «جریئة: جنگ»	مواصلة:	ادامه دادن
دخان:	دود	مياه:	آب‌ها «مفرد: ماء»
رياح:	بادها «مفرد: ریح»	نباتات:	گیاهان «مفرد: نبات»



## الصبر مفتاح الفرج

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سِتَوَاتٍ بَعِيدَةٍ فِي أَحَدِ الْبِلَادِ.

ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِباً مِنْ طُلَّابِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسَاتِذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عَلَمِيَّةٍ لِتَهْنِئَةِ  
أَبْحَابٍ عَنِ الْأَسْمَاكِ. كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِنَةً؛ فَجَاءَتْ ظَهَرَ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ  
فَضَعَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَ صَارَ الْبَحْرُ مُوَاجِلًا. فَاصَابَتْ سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛  
السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلاً وَلَكِنَّمَا مَا غَرِقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرِحُوا  
كَثِيراً وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ نَزَلُوا فِيهَا؛ مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَداً فِي الْجَزِيرَةِ وَ  
مَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأَسَاتِذُ:

«يَا سِبَابِ، عَلَيْكُمْ بِالْحَافِظَةِ. اسْمَعُوا كَلَامِي وَ اعْمَلُوا بِهِ، كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ.  
عَلَيْكُمْ بِمُحَافَظَةِ أَيْحَاتِكُمْ.»

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرَقَةٍ وَ قَالَ لِلْقَرِيْقِ الْأَوَّلِ:  
«يَا طَالِبِ، ائْتِئُوا عَن صَيْدٍ وَ اجْمَعُوا الْحَطَبَ.»

وَ قَالَ لِلْقَرِيْقِ الثَّانِي:

«يَا طَالِبَانِ، اجْلِسَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الصَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.»

وَ قَالَ لِلْقَرِيْقِ الثَّلَاثِ:

«يَا طَالِبَاثِ، أَطْبِخْنَ طَعَاماً.»

وَ قَالَ لِلْقَرِيْقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، ائْتِئَا عَن مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ.»

١- ائْتِئَا: كَالِ كَيْدِ

٢- السَّفِينَةُ: كَيْدِ، بَشَوِيَّةٌ

٣- ائْتِئَا: كَالِ كَيْدِ

٤- ائْتِئَا: كَالِ كَيْدِ

ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: ﴿اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ «مَضَى أَسْبُوعٌ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاسْتَرْقَتْ.

قَالَ الطَّلَابُ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا.»

فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا﴾.

خَبِرَ الطَّلَابُ وَ قَالُوا: «فَقَفْنَا سَفِينَتَنَا.»

وَ تَعَدَّ آدَاءَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ: بِشَيْءٍ:

«انظُرُوا يَا زَمَلَانِي. انظُرْ يَا زَمِيْلَانِي. تِلْكَ سَفِينَةٌ حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا.»

السَّفِينَةُ الْحَرَبِيَّةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ.

فَرِحَ الطَّلَابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ:

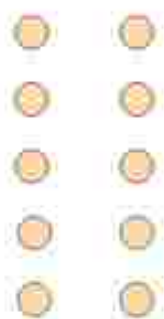
«كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟»

أَجَابَ الْجُنُودُ:

«رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ، فَاتَّبَعْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ.»



با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.



۱. ذهب الطلاب إلى هذه السفرة ليتمية أبحاث عن النباتات.

۲. ما وجد الطلاب إنساناً غيرهم في الجزيرة.

۳. عشرة طلاب كانوا في السفرة العلية.

۴. كانت مياه البحر هادئة في البداية.

۵. وقعت هذه الحكاية قبل سنة.

فَعْلُ الْأَمْرِ ← (يا أولادِ، افعلوا)، (يا بناتِ، افعلن)  
(يا ولدانِ، افعلنا)، (يا بنتانِ، افعلنا)



رَجَاءُ انْزُولِ مِنَ الْحَافِلَةِ.



رَجَاءُ انْزُولِ مِنَ الْحَافِلَةِ.



ابْخَاشَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.



ابْخَاشَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

در این درس با فعل امر آشنا می‌شوید.  
به فرق میان فعل مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را بیاموزید.

فعل امر		فعل مضارع		شخص
تعالیم بیاموزید:	اقْعَلُوا	تفعلون	تَفْعَلُونَ	
	اقْعَلْنَ		تَفْعَلْنَ	
	اقْعَلَا		تَفْعَلَانِ	

فرق «فعل مضارع» و «فعل امر» را بیابید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَرْحَمُونَ: رحم می‌کنید	ارْحَمُوا: رحم کنید	تَضَعُونَ: بالا می‌آیند	ارْجِعُوا: بالا بیایید
تَقْبَلُونَ: پایین می‌آید	انزلوا: پایین بیایید	تَقْبَلُونَ: می‌پذیرد	اقْبَلْهُ: بپذیرد
تَشْكُرُونَ: تشکر می‌کنید	اشْكروا: تشکر کنید	تَرْسِفُونَ: نقاشی می‌کنید	ارْسِفُوا: نقاشی کنید

ترجمه کنید.

اقْبَلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ.	ارْسِفِي صُورَةَ الشُّهيدِ.
اطبِلا اَيْدِيكُمْا قَبْلَ الْغَدَاةِ.	اسْجُدَا لِلّٰهِ رَبِّهِ الْعَالَمِينَ.
«ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ»	اَهْرُؤْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السُّوءِ.

١ التمرين الأول:

توضيحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. بلادٌ كَبِيرَةٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِيَا.
٢. إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالِاسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ.
٣. شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ، نَشْرَبُهُ وَ لَا لَوْنٌ لَهُ.
٤. يُدْرَسُ فِيهَا الْأَسْتَاذُ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ.
٥. الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَ لَيْسُوا أَطْفَالًا.
٦. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الرُّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ.

٢ التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا صديقاتي، رجاء، أخرجين من المكتبة.

يا أصدقائي، رجاء، أخرجوا من الصف.



يا صديقَتانِ، اُكْتُبَا جِوَابَ السُّؤَالَيْنِ.

يا صديقانِ، اِحْمِلَا هَذِهِ الْمِنْصَدَةَ.

### ٣ الثَّمَرَاتُ الْقَائِلَةُ:

آيات شريفة زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

١. ﴿ رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ﴾ القصص: ١٧

٢. قَالَ اللهُ لِمُوسَى وَ هَارُونَ: ﴿ اذْكَبَا لِي قِرْعَتَيْنِ ﴾ طه: ٥٣

٣. ﴿ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴾ التوبه: ٧٨

٤. ﴿ ... اَعْمَلُوا صَالِحًا اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ التوبه: ١١

٥. ﴿ وَاذْقَلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اَسْجُدوا لِآدَمَ فَسَجَدوا اِلَّا الْيٰٓسِقَ ﴾ البقره: ٣١



## ٤ التفرين الرابع:

جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يا طَلاب، انظروا إلى نزولِ المطرِ. يا طالبات، انظرن إلى نزولِ المطرِ.		
يا طالبان، البسا ملابسَ مُناسِبَةً. يا طالبتان، البسا ملباسَ مُناسِبَةً.		

## ٥ التفرين الخامس:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

- |                |                                     |
|----------------|-------------------------------------|
| ١. فاطمة الرجم | ١. مكان للتعليم العالي بعد المدرسة. |
| ٢. المواصلة    | ٢. هو الذي لا يذهب لزيارة أقرانه.   |
| ٣. الجامعة     | ٣. الشيء الذي يصعد من النار.        |
| ٤. الخطب       | ٤. أخشاب مناسبة للاحتراق.           |
| ٥. الدخان      | ٥. حلّ الضعاب و المشكلات.           |
| ٦. الذهاب      |                                     |
| ٧. القرح       |                                     |



## مَثَرُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا عَمَلٍ كَالْحَقِيقَةِ.

۲. أَسْعِلْ أَضْلَ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَضْلُ كُلِّ شَرٍّ.

۳. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالنَّظِيبِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَئَسْرُ النُّفُتَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ.

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ.



۱- الْحَدِيثُ الثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبِالْي الْأَدَابِثُ مِنَ الْإِيمَانِ تَطْبُؤُ الرَّبَّ .  
۲- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَعْرِفُ أَجْمَلَهُ وَشَرُّهُمَنْ يَعْرِفُ خَيْرَهُ .

با استفاده از نرم افزار قرآن یا کتاب «المُعْجَمُ الْمُفْهَرَسُ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ» سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.



## الأربعينيات

### مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدُ السُّهَلَةِ

- مَنْ هُوَ مَسْئُولُ الْمَوْكِبِ؟  
- سَاعَدَكَ اللَّهُ.  
- نَعَمْ، نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ.  
- حَضَرْنَا لِلْمَرَّةِ الْأُولَى.  
- كَيْفَ يُمَكِّنُ الدَّهَابُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟  
- كَمْ الْمَسَافَةُ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ السُّهَلَةِ؟  
- أ تَوْجَدُ سِيَّارَاتٍ فِي الطَّرِيقِ حَتَّى تَرْكَبَ؟  
- شُكْرًا رَاحَتُنَا.
- أَبُو قَاسِمٍ.  
- حَيَّاكَ اللَّهُ! أ أَنْتُمْ مِنْ إِيْرَانِ؟  
- كَمْ مَرَّةً حَضَرْتُمْ فِي تَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ؟  
- إِزْهَبُوا تِلْكَ السِّيَّارَاتِ.  
- قَرِيبٌ مِنْ كِيلُومَتْرَيْنِ.  
- نَعَمْ؛ مَوْجُودَةٌ.  
- لَا، لَيْسَتْ رَاحَةً؛ بَلْ رَاحَةٌ.





# الدَّرْسُ الْخَامِسُ



## حَيَوَانَاتُ الْعَابَةِ





## الدَّرْسُ الْخَامِسُ

المُعْجَم: (٢٠ كلمة جديدة)

شیر	شیر:	کمان کرد (مضارع: يَنْظُرُ)
رویه	رَوَى:	کوبید = طَرَقَ (مضارع: يَطْرُقُ)
کَمَثَنُوا «ثَقِيلٌ سَتَكِينٌ + سَفْحٌ شَتَوِيلٌ»	كَبَرًا:	بزرگسالی
کوشید (مضارع: يَجِدُّ)	كَلَبًا:	سگ
زخمی کرد (مضارع: يُجْرِخُ)	لَجَّ:	پافشاری کرد (مضارع: يَلِجُ)
تلاش کرد (مضارع: يُحَاوِلُ)	مَاتَ:	مرد (مضارع: يَمُوتُ)
باغ وحش	عَصِيرًا:	سرنوشت
جلودار	نَجَاحًا:	موفقیت
ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ)	نَقَصَ:	کم شد (مضارع: يَنْقُصُ)
تشویق کرد به (مضارع: يُشَجِّعُ)	وَلَجَّ:	داخل شد = دَخَلَ



## الرجاء

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: **السُّدِّ** وَ **الثُّغْلَبِ** وَ **ذَيْبِ** وَ **غَزَالُهُ** وَ **كَلْبِ** وَ ...



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتُّ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً؛ لِمَنْ سَرَبُوا لِيَصِيدَ الْحَيَوَانَاتِ وَ يَبِيعَهَا لِحَدِيثَةِ الْحَيَوَانَاتِ. وَقَعَ الثُّغْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ فِي الْحُفْرَةِ بَعَثَةً؛ فَظَلِمَا مُسَاعِدَةً؛ لَكِنِ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ؛ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصْوَاتَ الصَّيَّادِينَ. **حَاوَلَ** الثُّغْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ.

بَعْدَ ذَاقَتْ رَجَعَتْ حَمَامَةً وَ قَالَتْ لِلثُّغْلَبِ:

«لَا فَائِدَةَ لِلْمُحَاوَلَةِ؛ لَا تَضَعْدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِيرِينَ. لَقَدْ جَرَّحْتِ بَدَنَكَ.»

وَ رَجَعَ الْكَلْبُ وَ قَالَ لِلغَزَالَةِ:

«لَا رَجَاةَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَضَعْدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِيرِينَ. لَقَدْ جَرَّحْتِ بَدَنَكَ.»

حَاوَلَ الثُّغْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بَدُونَ فَائِدَةٍ.

١- وَلَا تَضَعْدِي لَا تَضَعْدِي بِاللُّغَةِ، بِاللُّغَةِ

تَنَسَبَ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنْ الثُّعْلَبُ حَاطِلٌ كَثِيرًا  
 قَالَتْ لَهُ الْخَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟ إقْبِلْ مُصِرَّكَ»  
 لَكِنْ الثُّعْلَبُ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدَيْدٌ وَقَالَ: «أَنَا أَعْرِفُ  
 هَذَا الثُّعْلَبَ: هُوَ ثَقِيلُ السَّمْعِ: هُوَ ظَنُّ أَنْ الْخَمَامَةَ فَتَجْعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ»  
 قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا»  
 قَالَتِ الْخَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أَخْرِجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهُولَةٍ. لَا تَيْأَسِي»  
 حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَ فَرِحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.



مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَهُ  
 وَمَنْ قَرَعَ بَابًا وَفُتِحَ رَجَعَ

قال رسول الله ﷺ

١- مَرَّةً أُخْرَى: مَرَّةً أُخْرَى (أخبر، أخبرني، خبرك)



با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.



۱. حاولت الغزالة الخروج من الحفرة، فخرجت في النهاية.



۲. شجعت الحيوانات الثعلب على الخروج من الحفرة.



۳. ما ستر الصيادون الحفرة في الغابة.



۴. كانت الحفرة قليلة الخمي.



۵. أربعة صيادين كانوا في الغابة.

فعل النهي (۱)

فعل النهي - (يا ولد، لا تفعل)، (يا بنت، لا تفعل)





لا تكتبي شيئاً على الشجر.



لا تكلم شيئاً على الشجر.

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.  
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی		فعل مضارع		شخص
الجمام نداء.	لا تَطْعَلُ	الجمام نهی.	تَطْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	
	لا تَطْعَلِي		تَطْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	

فرق فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل نهی	فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مضارع منفی
لا تَكْذِبِي؛ دروغ نگو	لا تَكْذِبِينَ؛ دروغ نمی‌گوی	لا تَحْزَنْ؛ غمگین نشو	لا تَحْزَنْ؛ غمگین نمی‌شوی

ترجمه کنید.

---



---



---

لا تَيَأْسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.

لا تَشْرَبِي شايًا حارًا.

١ الثَّعْرِيْنَ اَلْأَوَّل: 

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید درس است؟

١. مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَ يُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٍ مُخْتَلِفَةً.

٢. الَّذِي يَمْشِي أَمَامَ قَوْمِهِ لِيَهْدِيَهُمْ.

٣. حَيَوَانٌ يَخْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ.

٤. عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ.

٥. الَّذِي لَا يَسْمَعُ حَيْدًا.

٢ الثَّعْرِيْنَ الثَّلَاثِي: 

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يَا حَبِيبَتِي،

لَا تَجْعَلِي حَقِيْبَتَكَ هُنَا.



يَا حَبِيبِي،

لَا تَجْعَلْ حَقِيْبَتَكَ هُنَا.

### ۳ التثمين الثالث:

آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل‌های امر، نهی، ماضی و مضارع را معلوم کنید.

۱. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَمَا تَعْمَلُ لِبَنَاتِكَ وَأَعْمَلْ لِبَنَاتِكَ كَمَا تَعْمَلُ لِنَفْسِكَ عَدُوًّا. سورة التين: ۱۷

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الاحزاب: ۱۷

۳. لَا تَعْمَلْ شَيْئاً مِّنَ الْخَيْرِ، رِيَاءً وَلَا تَشْرِكْهُمُ حَيَاتِهِمُ الْإِيمَانُ مَسْرُورٌ ﴿۱۷﴾

۴. إِنَّ الزَّيَادَ لَا يَكْتُمُ أَخْلَافَهُ سورة التين: ۱۷



۵. ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ سورة التين: ۱۷

۶. إِذَا غَضِبْتَ فَاصْكُتْ. سورة التين: ۱۷

۳- ابتدا → در جمله مثبت: تا ابد همیشه / در جمله منفی: هرگز  
تلك تعیش ابتدا کوی تا ابد زندگی می‌کوی / لا تیان ابتدا: هرگز نایید نشو.





#### ٤ الثغرين الرابع:

ترجمه كنيد.

١. اِزْرَعُ صِدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعُ عِدَاوَةً.

٢. اُسْكُتِي يَا طِفْلَةٌ وَ لَا تَصْرُحِي

٣. اَصْدُقِي فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبِي اَبَدًا.

٤. اِبْسِنِ قَمِيصًا اَبْيَضَ فِي اللَّيْلِ لِيَجُورَ الشَّارِعَ وَ لَا تَلْبَسِي اَسْوَدًا.

#### ٥ الثغرين الخامس:

كدام گزینه از نظر معنا با ساير گزینه ها «ناهماهنگ» است؟

- |             |             |               |              |
|-------------|-------------|---------------|--------------|
| ١. خَدَاد   | ٢. مصباح    | ٣. حَلْوَانِي | ٤. شُرْطِي   |
| ٥. حَطَب    | ٦. نَار     | ٧. دُخَان     | ٨. نَجَاح    |
| ٩. شُهُور   | ١٠. غَايَةِ | ١١. اَيَّام   | ١٢. لِيَالِي |
| ١٣. رِيح    | ١٤. مَطَر   | ١٥. سَجَاب    | ١٦. اَخَذ    |
| ١٧. رَمَان  | ١٨. عَيْب   | ١٩. تَفَاح    | ٢٠. جَدُّ    |
| ٢١. كِبَر   | ٢٢. تَخْت   | ٢٣. فُوق      | ٢٤. اَمَام   |
| ٢٥. اَرَزَق | ٢٦. اَحْمَر | ٢٧. اَفْتَح   | ٢٨. اَخْضَر  |
| ٢٩. سُدُّ   | ٣٠. اَنْتَ  | ٣١. سَجَدَ    | ٣٢. عَيْدَ   |

٦ الثَّمَرِينِ السَّادِسُ:

زِير هَر تَصْوِير لَام أَن رَا بَه عَرَبِي بِنُويسِيد. «دُو كَلِمَه لَفَاتِه لِسْتَه»

الْحَمَامَةُ - الْكَلْبُ - الذَّنْبُ - الزَّرَافَةُ - الْعُصْفُورُ - الْعَرَّالَةُ - السَّمَكَةُ - الْفَيْلُ - الْفَرَسُ -

الْأَسَدُ - الثَّعْلَبُ



حَيَوَانٌ مَكَارٌ.



حَيَوَانٌ طَوِيلٌ.



فِي الشَّهْرِ.



سُلْطَانُ الْغَايَةِ.



حَيَوَانٌ كَبِيرٌ.



هَذِهِ جَمِيلَةٌ.



حَيَوَانٌ تَجَمُّبٌ.



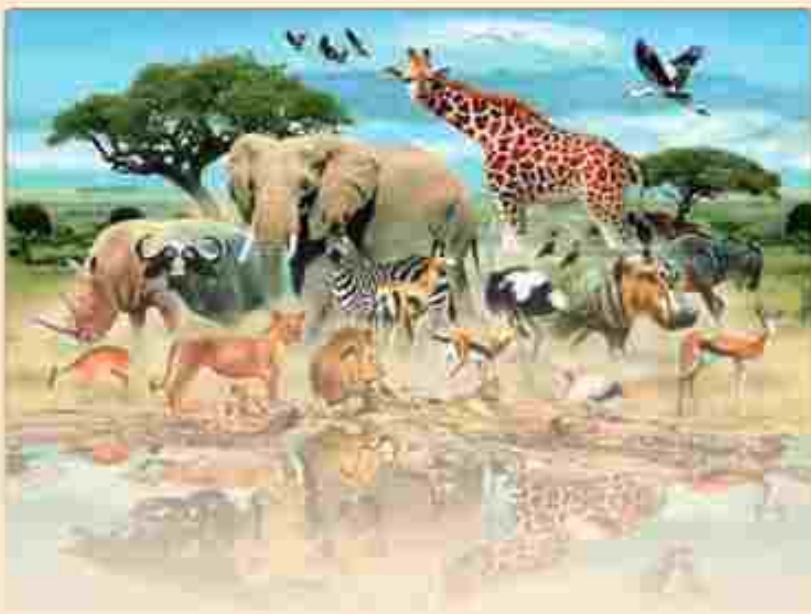
حَيَوَانٌ حَرِيصٌ.



طَائِرٌ صَغِيرٌ.



دو نمونه کتاب معروفی در ادبیات ایران یا جهان از زبان حیوانات مثال بزنید.



١. مَا الْآيَةُ الَّتِي إِذَا قَرَأْتَهَا مِنَ الْآخِرِ إِلَى الْأَوَّلِ لَا يَتَغَيَّرُ؟  
- ﴿كُلٌّ فِي فَتَقٍ﴾ -



٢. أَيُّ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟  
- لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ -



٣. ما معنى كلمة «القرآن»؟  
- القرآن بمعنى «القرءة».



٤. ما اسم أكبر حيوان جاء ذكره في القرآن؟  
- الفيل.



٥. أذكر سورة باسم أحد أيام الأسبوع؟  
- الجمعة.







# الدَّرْسُ السَّادِسُ



مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ



## الدَّرْسُ السَّادِسُ

المُعْجَم: (٢١ كلمة جديدة)

شيشة عطر	زُجَاجَةٌ عِطْرٌ:	دریافت کرد (مضارع: يَسْتَلِمُ)	اِسْتَلَمَ:
روزه	صَوْمٌ:	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	بَسْمَلَةٌ:
عطر زد (مضارع: يُعْطِرُ)	عَطَّرَ:	یاد گرفت (مضارع: يَتَعَلَّمُ)	تَعَلَّمَ:
تعبیر داد (مضارع: يُعْبِرُ)	عَبَّرَ:	چشم عروسی	حَفْلَةُ زَوَاجٍ:
سرزنی کرد (مضارع: يَلْوِي)	لَامَ:	«حَفْلَةُ مِيلَادٍ: جشن تولد»	
نمونه	مِثَالِي:	دور کرد، دفع کرد، پرداخت	دَفَعَ:
شلوغ	سُرْدَجِمٌ:	(مضارع: يَدْفَعُ / مصدر: دَفَعَ)	
پرونده	مِلْفٌ:	مردود	رَاسِبٌ:
خوابید (مضارع: يَنَامُ)	نَامَ:	بستری	رَاقِدٌ:
مترادف: رَقَدَ)		نو	رَاقِحَةٌ:
فعال، بانشاط	نَشِيطٌ:	مردود شد (مضارع: يَرْسِبُ)	رَسَبَ:
و عبارت است از	و هِيَ:	رحمت	رَوْحٌ:

## تفسير الحياة

ابتدأ العام الدراسي الجديد و ذهب تلاميذ القرية إلى المدرسة. كانت القرية صغيرة و جميلة. دخلت المدرسة في الصف الرابع. كان الصف مزدجماً. قالت المدرسة للبنين: «اجلسوا على اليمين» و قالت للبنات: «اجلسن على اليسار» هي شاهدت تلميذة راسية باسم «سارة». رست «سارة» عندها في السنة الماضية؛ فحزنت و ذهبت لمشاهدة ملفها للاطلاع على ماضيها. في ملف السنة الأولى: هي تلميذة جيدة جداً. تكثب و اجاباتها جيداً. هي نشيطة و ذكية.

و في ملف السنة الثانية: هي تلميذة جيدة جداً. لكنها حزينة. أمها راقدة في المستشفى. و في ملف السنة الثالثة: هي فقدت والديها في هذه السنة. هي حزينة جداً. و في ملف السنة الرابعة: هي تركت الدراسة و لا تحب المدرسة و تنام في الصف. المدرسة لامت نفسها و غيرت طريقة تدريسها.

بعد مدة في حفلة ميلاد المدرسة، جلب التلاميذ هدايا لها و جلبت سارة لمدرستها هدية في ورقة صحيقة. كانت الهدية زجاجة عطر أمها، فيها قليل من العطر، فصحك التلاميذ؛ فقالت المدرسة للبنين: «لا تضحكوا»

و قالت للبنات: «لا تضحكن».

المدرسة عطرت نفسها بذلك العطر.



رست سارة معها في السنة الماضية سارة در  
سال كلفته لرد او مرهون قد اتيه ليك سارة  
دانش امور هين معقم در سال كلفتهل بيته است  
و لا تضحكوا لا تضحكن، نعمههه

جاءت سارة عند مَدْرَسَتِهَا وَ قَالَتْ:

«رَأَيْتُكَ مِثْلَ رَائِحَةِ أُمِّي.»

سُجِّعَتِ الْمُدْرَسَةُ سَارَةَ: فَصَارَتْ تَلْمِيذَةً **مِثَالِيَّةً**، وَ بَعْدَ سَنَوَاتٍ: **اسْتَلَمَتِ** الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ، مَكْتُوباً فِيهَا:

«أَنْتِ أَفْضَلُ مَعْلَمَةٍ شَاهَدْتُهَا فِي حَيَاتِي. أَنْتِ غَيَّرْتِ مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَبِيبَةٌ.»

وَ بَعْدَ مُدَّةٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنَ الطَّبِيبَةِ سَارَةَ: طَلَبَتْ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي **حَفْلَةِ زَوَاجِهَا** وَ الْجُلُوسَ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعَرُوسِ.

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مَدْرَسَتَهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا: قَالَتْ لَهَا سَارَةَ:

«شُكراً جَزِيلاً يَا سَيِّدَتِي: أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي.»

فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ:

«لَا، يَا بِنْتِي، أَنْتِ غَيَّرْتِ حَيَاتِي: فَعَرَفْتُ كَيْفَ أُدْرَسُ.»

با توجه به متن درس، پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱. آينَ جَلَسَتِ الْبِنَاتُ؟  
عَلَى الْيَمِينِ  عَلَى الْيَسَارِ
۲. لِمَنْ كَانَتْ رُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟  
لِوَالِدِ سَارَةَ  لِوَالِدَةِ سَارَةَ
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِمَةً؟  
فِي الرَّابِعِ  فِي السَّادِسِ
۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمَدْرَسَتِهَا؟  
صَحِيفَةُ جِدَارِيَّةٍ  رُجَاجَةُ عِطْرِ
۵. أَمَا كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفْلَةِ الْمِيلَادِ؟  
نَعَمْ  لَا

فِعْلُ النَّهْيِ ← (يا أولاد، لا تَفْعَلُوا)، (يا بنات، لا تَفْعَلْنَ)  
 (يا وُلدان، لا تَفْعَلوا)، (يا بَناتِ، لا تَفْعَلن)



يا زُمَّيلاتِي، رَجاءُ، لا تَنْزِلْنَ؛ اصْعَدْنَ



يا زُمَّلاتِي، رَجاءُ، لا تَنْزِلُوا؛ اصْعَدُوا






يا زُمَّيلاتِ، رَجاءُ، لا تَنْزِلْنَ؛ اصْعَدَا.



يا زُمَّلاتِ، رَجاءُ، لا تَنْزِلُوا؛ اصْعَدَا.

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.

به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی	فعل مضارع	شخص
لا تَفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	
لا تَفْعَلْنَ	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	
لا تَفْعَلَا	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) تَفْعَلَانِ (مثنی مؤنث مخاطب)	 

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

- لا تَجْلِسْ: امر نشینی ← لا تَجْلِسْ: نشینی  
 لا تَذْهَبُونَ: امر رویید ← لا تَذْهَبُوا: رویید  
 لا تَرْجِعِينَ: بر نمی‌گردی ← لا تَرْجِعِي: بر نگرد  
 لا تَسْرُكْنَ: رها نمی‌کنید ← لا تَسْرُكْنَ: رها نکنید  
 لا تَسْرُلَانِ: پایین نمی‌آید ← لا تَسْرُلَا: پایین نیابید

ترجمه کنید.

لا تَرْفُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.

يا أحوالي، لا تَغْضَبَنَّ عَلَيَّ أَحَدٍ.

يا وُلدان، لا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ.

۱- تشخیص معنای فعل‌هایی مانند تَفْعَلْنَ فقط در جمله امکان ندارد؛ مثلاً:

(رَجَاةٌ لَا تَفْعَلْنَ: لطفاً انجام ندهید) / (املا لا تَفْعَلْنَ شيئاً! چرا کاری انجام نمی‌دهید؟)



١ الثَّغْرَيْنِ الْأَوَّلِ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

١. اِئْمِنَاعٌ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِغَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ.
٢. الشَّخْصُ الَّذِي يُجِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا.
٣. صَفَةٌ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ.
٤. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.
٥. إِجْتِمَاعٌ جَمَعَ مِنَ النَّاسِ لِقَرَحٍ عَظِيمٍ.

٢ الثَّغْرَيْنِ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَشْرَبِي مِن هَذَا الْمَاءِ.

\_\_\_\_\_



لَا تَذْهَبِي مِن هُنَا.

\_\_\_\_\_



لَا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.



لَا تَكْشِفُوا عَيْبَاتِكُمْ.

### الثَّمَرَاتُ الثَّلَاثُ

آيات زير را ترجمه، سپس فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ الْمَوْتِ لِإِنَّ أَحْسَبَ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَمَلُ الْفَرَجِ.

أزمام عشر

۲. ﴿رَتَبْنَا لِجَعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف: ۱۰

۳. قَالَ اللَّهُ لَادِّمِ وَحَوَاةٍ: ﴿لَا تَغْرِبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ الأعراف: ۱۴

۴. ﴿لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ البقرة: ۱۷۵

۵. ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...﴾ التين: ۱

۶. ﴿وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ...﴾ النحل: ۱۲۰

## كُنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانيد و ترجمه كنيد:

١. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ ضَلَابِهِمْ وَصَوْمِهِمْ  
وَكَثْرَةِ نَحْوِهِمْ  
... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْخَدِيثِ وَ أَدَاءِ  
الْأَمَالِ.

٢. انظُرْ إِلَى مَا قَالِ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالِ.

٣. لَا تَقْرَأْ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالنَّادِبِ.

٤. مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

١- الخديث الأول و الرابع من رسول الله ﷺ و الحديث الثاني و الثالث من أسواقنا محمد علي عليه السلام

آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.



١. هل تعلم أن السورة بِمعنى الجدار الذي حول المدينة؟



٢. هل تعلم أن كل السور تبدأ **بالسجدة** إلا سورة التوبة، و سورة التعل فيها  
تسملتان؟



۳. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ سِتَّ سُورٍ بِأَسْمِ سِتَّةِ أَنْبِيَاءَ؟

وَهِيَ سُورَةُ يُوحُنُسَ وَ هُودَ وَ يُوسُفَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدَ وَ نُوحَ:



۴. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ خَمْسَ سُورٍ أَيْدُنَا بِفِعْلِ «قُلْ»؟

وَهِيَ الْجِنُّ وَ الْكَافِرُونَ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْقَلْقُ وَ النَّاسُ:



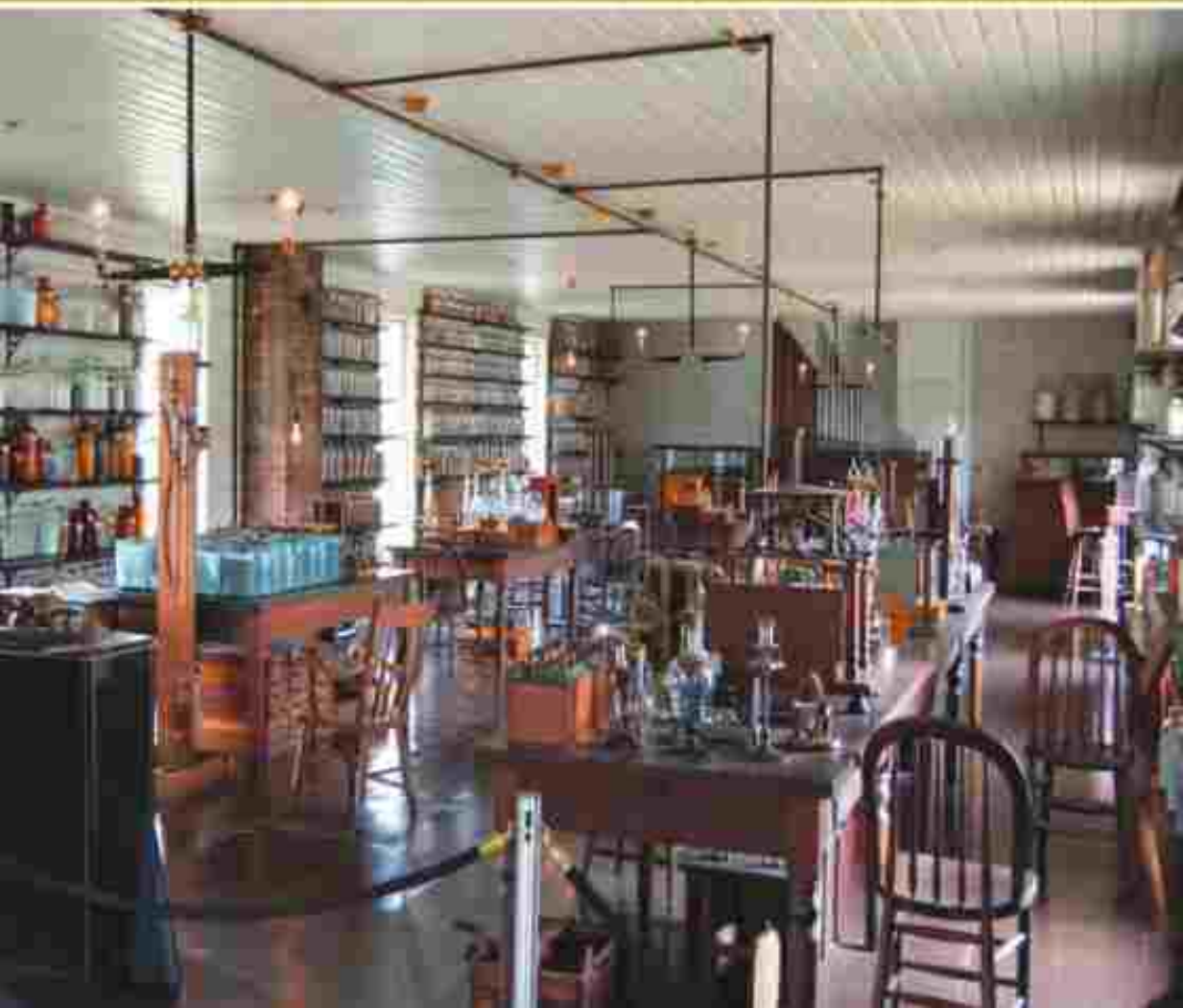




الدَّرْسُ السَّابِعُ



مُعْتَبِرُ إِدِيسُون



## الدَّرْسُ السَّابِعُ

المُعْجَم: (۲۵ کلمه جدید)

طَبَعَ: چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)	دستگاه «جمع: آلات» آلة طباعة: دستگاه چاپ
طَرَدَ: یا تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)	آخَسَنَ غَفْلًا: کلری وایکو انجام داد
طِفْلٌ: کودکی	أذوات: ابزارها «مفرد: أداة»
غَرَبَ: واکن، کاری	أضاع: تباہ کرد (مضارع: يُضِيعُ)
كَثُرَ: زیاد شد (مضارع: يَكثُرُ)	أَلْقَدَ: نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ)
كَسَلٌ: کاسل کرد	بضائع: کالاها «مفرد: بضاعة»
كیمیایی: شیمیایی	بَطَّارِيَةٌ: باتری
كَسَجَلٌ: دستگاه ضبط	تَدْيِيسٌ: تندیس «جمع: تماثيل»
كَبَّاحَةٌ: چاپخانه «جمع: مطابع»	رَئِيسٌ: اصلی
كَبَّاحَةٌ: هزینه‌ها «مفرد: كَبَّاحَةٌ»	شَرِكَةٌ: شرکت
كَبَّاحَةٌ: خواب	صِنَاعَةٌ: صنعت «صناعات: صناعات»
كَبَّاحَةٌ: گذاشت «مترادف: كَبَّاحَةٌ»	طَالِبٌ كَهْرَبَالِيَّةٌ: نیروی برقی
كَبَّاحَةٌ: بی‌چرخه دور ...	كَبَّاحَةٌ: گهزیاب، برقی

## شِعْرَةُ الْجَدِّ

كَانَ إِدِيْسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أَسْرَتُهُ عَنِّ دَفْعِ **نَفَقَاتِ** دِرَاسَتِهِ؛ فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنَّهُ:

«إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقٌ.»

فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا.

كَانَ إِدِيْسُونُ تَقْصِيْلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ، أَوْ مَرِيضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ **الطَّفُولَةِ**.



إِدِيْسُونُ أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ، فَصَنَعَ مُخْتَبِرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ وَبَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرٍ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ **الْكِيمَاوِيَّةِ** وَ **الأدواتِ** الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَ قَدَّرَ عَلَيَّ



شِرَاءِ **آلَةِ طِبَاعَةٍ** وَ **وَضَعَهَا** فِي **عَرَبِيَّةِ البِضَاجِ**، وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمْرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ **طَبَعَهَا** فِي الْقِطَارِ.

فِي أَحَدِ الأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاوِيَّةِ فِي **الطَّبِيعَةِ**؛ فَحَدَّثَ حَرِيْقٌ؛ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ، وَ عِنْدَمَا **أُنْقَذَ** طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئِيسًا فِي **شَرِكَتِهِ**.



كَانَ إِدِيسُونُ مَشْغُولًا فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا.  
هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبِرًا لِلْمُابْحَثَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ.  
اخْتَرَعَ وَ كَتَبَ إِدِيسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ  
مُهِّمٌ مِنْهَا الْمِصْبَاحُ الْكَهْرِبَائِيُّ وَ الْمَسْجَلُ وَ الصُّورُ  
الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السِّيْمَا وَ بَطَّارِيءُ السِّيَارَةِ. إِنَّهُ قَدَّرَ  
عَلَى تَأْسِيسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ لِتَوْزِيعِ الطَّاقَةِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ.  
وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرِبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ دَيْسِي  
لِتَقَدُّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴾

الكهف: ٢٥

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.



١. عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُونِ سَبْعُونَ.



٢. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.



٣. أَحَبَّ إِدِيسُونُ عِلْمَ الْكِيمِيَاءِ فِي صِغَرِهِ.



٤. سَاعَدَتْ أُمُّ إِدِيسُونِ وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.



٥. وَضَعَ إِدِيسُونُ آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.

## ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

### ترکیب وصفی ← (موصوف و صفت)



هَذَا أُتْرٌ تَارِيحِيٌّ فِي مَعَاظِمَةٍ كَبِيرَةٍ.



هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيحِيَّةٌ فِي مَعَاظِمَةٍ جَمِيلَةٍ.

### ترکیب اضافی ← (مضاف و مضاف الیه)



يَسْتَأَلُ الْمُتَقَنِّيُّ،<sup>١</sup> فِي مَدِينَةِ يَزْدَادِ.



تَمَائِلُ الْفُلَمَاءِ فِي مَعْرِ تَنْظِيمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ<sup>٢</sup>

١- تندیس دانشمندان ایرانی در خیابان سازمان ملل متحد دو شهر وین کشور اتریش  
٢- شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس، متولّد کوفه



«موصوف» اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می‌آوریم که «صفت» نامیده می‌شود.  
 «مضاف» اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود؛ مثال:

مضاف و مضاف‌الیه		موصوف و صفت	
مدرسه	أَعْيَاشُكَاهِ	کوچک	مُتَشَبِّرٌ صَغِيرٌ
صنعت کلفت	صَنَعَتٌ كَلْبَعٌ	جدید	الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ
دانشجویان دانشگاه	دَالِشُجُوِيَانِ دَانَسْكَاهِ	دانشجویان کوشا	طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ
کیف معلم	كَيْفُ الْمَعْلَمِ		
کفش	كَيْشٌ		

ترکیب «اضافی - وصفی»

به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید:

۱. سَاعَدَتُ أَخِي الْكَبِيرُ حَدَّثَنَا.

خواهر بزرگم به مادربزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةٍ وَاجِبَاتِهِ.

برادر کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

۱- ضمیر در دستور زبان عربی، اسم به شمار می‌آید.

۲- در ارزشیابی از این فاعل فقط باید از مثال‌هایی مانند کتاب استفاده کرد.



توجه: در زبان عربی - برخلاف فارسی - بین مضاف و مضاف‌الیه، صفت قرار

نمی‌گیرد: مثال:

عُرْفَتِي: اتاقم (مضاف + مضاف‌الیه)

عُرْفَتِي الصَّغِيرَةُ (مضاف + مضاف‌الیه + صفت)

اتاقِ كوچكَم (مضاف + صفت + مضاف‌الیه)

الف) جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ أَخِي الْأَكْبَرِ.

۲. سَجَّحْنَا فَرِيضَتَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَائَةِ السَّابِقَةِ.

۳. قَسَمْتُ مَوْزَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَأَجْبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً.

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

ب) مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم

کنید.

## آزمون

### ۱. الثَمَرِينِ الْأَوَّلِ:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.



۱. «الشَّرِكَةُ» مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَجْعَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.
۲. «الْقَطَارُ» مَكَانٌ يَبِيعُ الْبَضَائِعَ مِثْلَ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.
۳. «الْمَطْبَعَةُ» مَخْرَجٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.
۴. «الطُّفُولَةُ» هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.
۵. «الضَّاعِقَةُ» كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرُّعْدِ.

### ۲. الثَمَرِينِ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان

خط کشیده شده است، معلوم کنید.



جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.



مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مَحَافِظَةِ  
إِسْفَهَانَ.



الجسر الأبيض، على  
نهر كارون.



مرقد العالم الإيراني ابن سينا في  
مدينة همدان.

### ٣ الثعنين الثالث:



كلمات مترادف و متضاد را معلوم كنيد.

عاقِل — مَجنون	رَقَد — نَام	رَاسِب — نَاجِع
جُلوس — قِيَام	فُتِح — سُد	طَوِيل — قَصِير
جاء — أتى	صَعْب — سَهْل	جَعَلَ — وَضَعَ
قَرَعَ — طَرَق	جَمِيل — قَبِيح	أَصْدِقَاء — أَعْدَاء

#### ۴ الثَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «در کلمه خطه است»

أَنْقَذَ - زَيْسِي - اِحْتَرَقَ - طَبَعَ - نَفَقَاتُ - الصُّحُفَةُ - بَصَائِعَ

۱. كَانَتْ \_\_\_\_\_ الْجَامِعَةَ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.
۲. اِتَّكَسَرَتْ إِحْدَى الرَّجَاكِاتِ فِي الْمُخْتَبَرِ: أَف \_\_\_\_\_ كُلُّ الْأَشْيَاءِ.
۳. يَجْلِبُ النَّاجِرُ \_\_\_\_\_ جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.
۴. يَبْدَأُ وَالِدِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ \_\_\_\_\_ دَائِمًا.
۵. \_\_\_\_\_ إِدِيسُونَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقَطَارِ.

#### ۵ الثَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دُهِبَ: تَرَفَّتْ	لا يَدُهِبُ:	سَيَلْهَبُ:	إِدْهِبْ:	لا تَدْهِبْ:
ما شَرِبُوا: تَنَوَّسُوا	لا يَشْرَبُونَ:	سَيَشْرَبُونَ:	إِشْرَبُوا:	لا تَشْرَبُوا:
ما غَسِلَ: نَسِيتُ	لا يَغْسِلُ:	سَوْفَ يَغْسِلُ:	اغْسِلْ:	لا تَغْسِلْ:

## کثر الجَمَّة

بخوانید و ترجمه کنید!

۱. عَلَيْنَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَفَانَةٌ نَورُ الْقَلْبِ.

۲. جَلِيئُ السُّوءِ شَيْطَانٌ.

۳. الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ.

۴. الْعِلْمُ كَثْرٌ عَظِيمٌ.

۵. السُّوءُ أَخْوَابُ السُّوءِ.

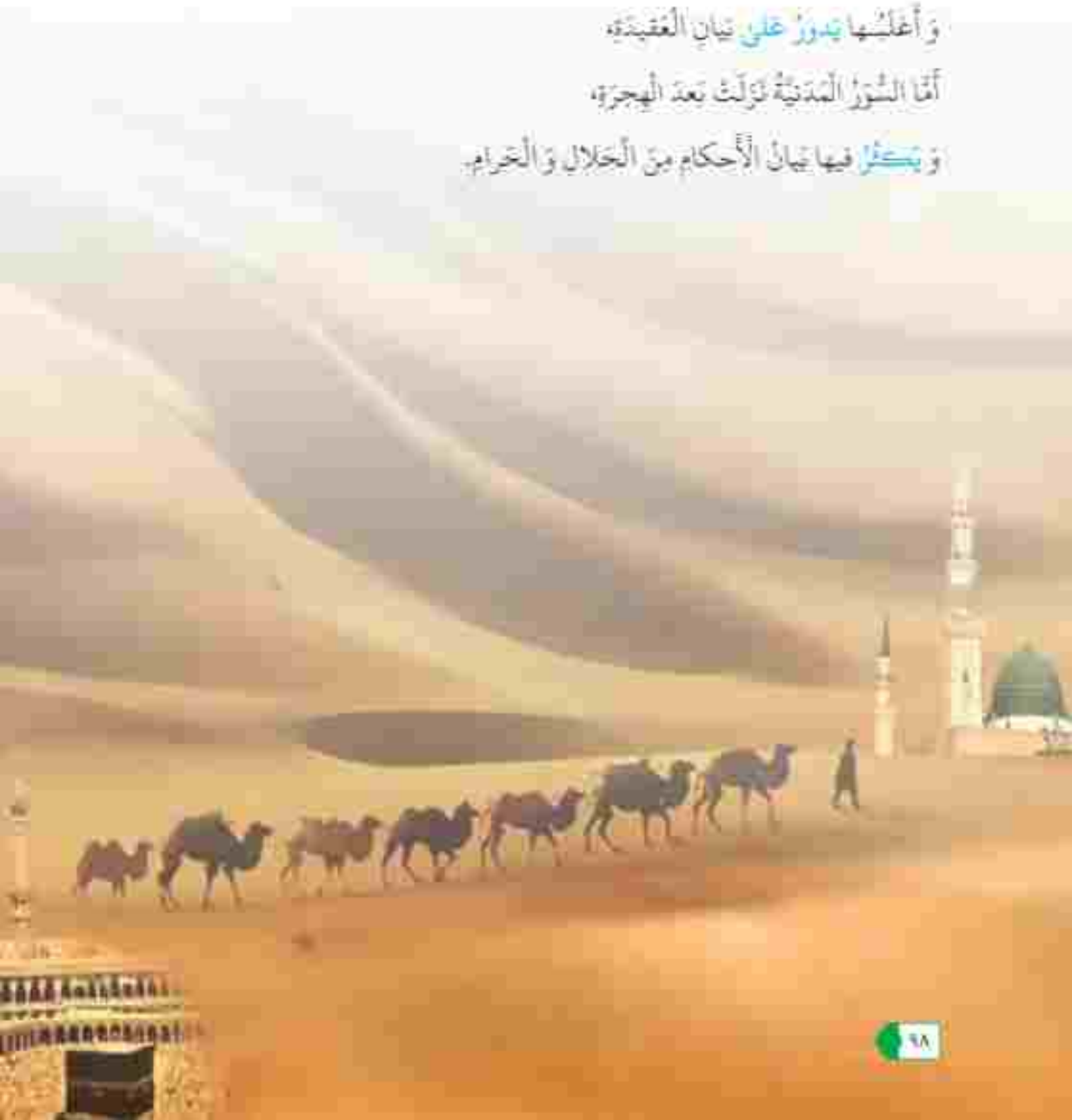


تحقیق کنید و یک فرد را که با تلاش بسیار در زندگی موفق شده و به بشریت خدمت کرده است، در کلاس معرفی کنید.

تعمیر کنید

۱- أَخْبَثْتُ: الْأَوَّلُ إِلَى الرَّابِعِ مِنْ أَمْرِ الْمُؤْمِنِ قَلْبِي بِإِنَّ وَ الْخَبِيثُ الْخَالِيسُ مِنْ زَيْلِ اللَّهِ ﷻ

ما الفرق بين السور المكية و السور المدنية؟  
السور المكية نزلت قبل الهجرة إلى المدينة،  
و أعلنها يدور على بيان العقيدة،  
أما السور المدنية نزلت بعد الهجرة،  
و تكثر فيها بيان الأحكام من الحلال و الحرام.







## الدَّرْسُ الثَّامِنُ



مَكَّةُ الْمُكَرَّمَةِ





## حوار بين الزائر و سائق سيارة الأجرة

- السلام عليكم.
- تذهب إلى متحف مكة المكرمة.
- كم ريالاً تأخذ منا؟
- الأجرة عالية. نحن ثلاثة أشخاص.
- هل تقبل النقود الإيرانية؟
- نعم و من أين أنت؟
- رأيت المتحف حتى الآن؟
- لماذا ما ذهبت إلى هناك؟
- عفواً؛ كم الساعة؟
- تعال معنا؛ ثم نرجع معاً؛ هل تقبل؟
- عليكم السلام؛ أين تذهبون؟
- أهلاً وسهلاً بكم. تفضلوا، اركبوا.
- أرتعبن ريالاً.
- عفواً؛ ثلاثون ريالاً. لكل زائر عشرة ريالات.
- نعم، لا بأس. يا شباب، هل أنتم إيرانيون؟
- أنا باكستاني و اشتغل هنا. في وطني كنت اشتغل في المزرعة.
- لا؛ ما رأيته. ما كانت عندي فرصة.
- لاني اشتغل من الصباح حتى المساء.
- العاشرة تماماً.
- لا؛ لا أقدر. شكراً جزيلاً.



## جَوَّازٌ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ ذَلِيلِ الْمُتَحَفِّ

- ماذا في هذا المتحف؟  
- ما ذلك العمود؟  
- وما هذه الآثار؟
- الآثار التاريخية للحرمين الشريفين.  
- العمود الحشمي للكعبة.  
- باب المتبر القديم للمسجد النبوي؛  
آثار يثر زمزم؛ صور الحرمين ومقبرة  
البيوع؛ وآثار جميلة أخرى.
- أشكرك على توضيحاتك المفيدة. - لا شكر على الواجب.

درستی یا نادرستی جمله های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.



۱. الزوّارُ يذهبون إلى المدينة المنورة.



۲. الزوّارُ الإيرانيون ركبوا حافلة الفندق.



۳. السائقُ يشتغل من الصباح حتى الظهر.



۴. أخذ سائقُ سيارة الأجرة ثلاثين ريالاً من الزوّار.



۵. في المتحف آثار تاريخية للحرمين الشريفين.





## معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی

**كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می‌دادند**

ماضی استمراری: نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛

مثال: می‌نوشتند: كانوا يَكْتُبُونَ

كانَ + فعل مضارع ← معادل ماضی استمراری در فارسی



البیتتانِ كانتا تَكْتُبانِ واجباتِهِما.



الطُّلَّابُ كانوا يَدْرُسُونَ بِدَقِيقَةٍ.

فعل «كانَ» هرگاه پیش از فعل مضارع بیاید، معادل «ماضی استمراری» در فارسی ترجمه می‌شود؛ مثال:

﴿ وَ مَا فَكَّرَهُمُ اللَّهُ وَأَلْحِنَ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَطْلُبُونَ ﴾ - النبی: ۳۳

و خدا به آنها نغم نکرد، ولی خود به خویشانِ **مستم** می‌کردند.

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿... كَانُوا يَتَغَمَّلُونَ﴾ الأصمعي

۲. ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ...﴾ العمدة

۳. ﴿... وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ المنذرى

۴. ﴿... كَانَ قَرِيبًا مِنْهُمْ يَسْتَعِينُ كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ اللطفي

۵. كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

## التفارين

### ١ التفارين الأول:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.



۱. دَلِيلُ الْمُتَحَفِّ يَشْتَعِلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.

۲. الْبَيْتُ حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.

۳. فِي الْمُتَحَفِّ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ.

۴. الْبَطَارِيئُ مَخْرَزُ الْكَهْرِبَاءِ فِي السِّيَارَةِ.

۵. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةِ الْمُكَرَّمَةِ.



## ٢ التفرين الثاني:

بخواليد و ترجمه كنيد.



كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ واجباتِهِ:  
فَأَحَذُهُ النَّوْمَ.



كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ  
وَأَقْفُونَ.

## ٣ التفرين الثالث:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است»

يَرْكَبُونَ - يَسْتَخْلِفُ - نُقُودٌ - تَعَالَى - الْبَشَرُ - تَقَطَّلَ - ذَلِيلٌ

١. أين \_\_\_\_\_ أخوك الأكبر؟ - هو يَعْمَلُ فِي مَنظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

٢. أَلدَّرْهَمُ وَ الدَّيْنَارُ وَ الزِّيَالُ وَ اللِّبْرَةُ أسماء \_\_\_\_\_.

٣. حُجَّاجُ القَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى \_\_\_\_\_ السَّفَرِ.

٤. اسْتَخْرَجَ الفُلاحُونَ ماءً مِنْ \_\_\_\_\_ لِلزَّرَاعَةِ.

٥. كَانَ الثَّلامِيذُ \_\_\_\_\_ حَافِلَةَ القَدْرَسَةِ.

#### ٤ الثَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

جدول زیر را کامل کنید.

سمع	شنید	يَسْمَعُ	می‌شنود	كَانَ يَسْمَعُ	می‌شنید
أَنْقَذَ	نجات داد	يُنْقِذُ		كَانَ يُنْقِذُ	
إِسْتَعْلَانَ	کار کردند	يَسْتَعْلَانِ		كَانَا يَسْتَعْلَانِ	
حَاوَلُوا	تلاش کردند	يُحَاوِلُونَ		كَانُوا يُحَاوِلُونَ	
حَضَرْنَا	حاضر شدند	هُمَا تَحْضُرَانِ		كَانَا تَحْضُرَانِ	
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ		كَانُوا يُسَاعِدُونَ	

#### ٥ الثَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است»

- |                   |  |
|-------------------|--|
| ١. الكِبْرِيَاءُ  | ● طاقةٌ تَسْتَعْمَلُ بِهَا الْأَلَاةُ وَ الْأَدَوَاتُ الصُّنَاعِيَّةُ. |
| ٢. المَطَرُ       | ● هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ، بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ.    |
| ٣. الْعَرَبِيَّةُ | ● قَطْرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَسْرُلُ مِنَ السُّحَابِ.                 |
| ٤. الرَّئِيسِيُّ  | ● نَتِيجَةُ اخْتِرَاقِ الْحَقِيبِ وَ غَيْرِهِ.                         |
| ٥. الْعَدُوُّ     | ● مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ.                               |
| ٦. الْفَلَاحُ     |  |
| ٧. النَّارُ       |  |

## ۶. التَّعْرِينُ السَّادِسُ:

زیر هر تصویر<sup>۱</sup> نام را به عربی بنویسید.

شَلالات شوشتر - مَرَقَدُ بایزید - جِسْرُ جاومیشان - سوقِ کرمان -

غَایَةُ آرَسباران - عَینُ بیستون



\_\_\_\_\_ ۳-

\_\_\_\_\_ ۲-

\_\_\_\_\_ ۱-



\_\_\_\_\_ ۶-

\_\_\_\_\_ ۵-

\_\_\_\_\_ ۴-

۱- تصویفهای بالا به ترتیب از استان‌های: ۱- ایلام و لرستان ۲- کرمان ۳- خوزستان ۴- کرمانشاه ۵- آذربایجان شرقی ۶- سمنان است.

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

کیمیایی - ادوات - مُسَلِم - نُقُود - مَجَالِسَات - مَحَلُولَات - مَلَقَات - أَزْهَار - اِسْتَحْرَج - اَنْخَنَى -  
لَا بَأْسَ - مَمْرُ مَشَاة - تَعَال - مُنْطَمَات - اَعْدَاء - زِرَاعَةُ - تَفْضُل - تَلْمِذَات - ثَلَاثُونَ - يَالَيْتَ - دِرَاسِي

رمز	شماره	کلمه
۱	۱	مسلمان
۲	۲	شیعیان
۳	۳	ابزارها
۴	۴	بیا
۵	۵	همنشینی‌ها
۶	۶	پول
۷	۷	تلاش‌ها
۸	۸	آرزو می‌کنم
۹	۹	بیرون آورد
۱۰	۱۰	اشکالی ندارد
۱۱	۱۱	دشمنان
۱۲	۱۲	سازمان‌ها
۱۳	۱۳	شکوفه‌ها
۱۴	۱۴	گذرگاه پیاده
۱۵	۱۵	پیوندها
۱۶	۱۶	دانش‌آموزان (دختر)
۱۷	۱۷	سی
۱۸	۱۸	ای کاش
۱۹	۱۹	تحصیلی
۲۰	۲۰	بفرما
۲۱	۲۱	کشاورزی

## کَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

أَلْحَبُّ إِلَى اللَّهِ (محبوبترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. « أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي. »

۲. « أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ. »

۳. « أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. »

۴. « أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ جَفْظُ اللِّسَانِ. »



یک گفت‌وگو در سفری زیارتی ببینید و آن را با هم کلاسی هایتان اجرا کنید. از اجرای کارتان فیلم بگیرید و به دبیرتان ارائه دهید.

تعمیر کنید

ذ. الیه: دستها جمع به

چند نمونه از تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های بزرگان

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین (بغتلا)

﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن: ۱)

\*\*\*

آسمان بار امانت تووالست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند (ساجده)

﴿إِنَّا غَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ قَلُومًا كَهُولًا﴾ (الرحمن: ۶۷)

(الرحمن: ۶۷)

\*\*\*

آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان (میلودیا)

الْتَّرْتُ مَخْبُوءٌ لِحِثِّ لِسَانِهِ (الامت: ۱۰۰)

(الامت: ۱۰۰)

\*\*\*

قیمت هر کس به قدر علم اوست این چنین گفتا امیر المؤمنین (ع) خسرو)

قَبِيئَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُهُ (الامت: ۱۰۰)

(الامت: ۱۰۰)

\*\*\*

چو نومید کرده ز یزدان کسی (زو تیک بختی نیاید بسی (دیوبندی)

﴿وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (سجده: ۳۷)

(سجده: ۳۷)

۱- در آیات و مسابقات، از این بخش سؤال طرح نمی‌شود.

۲- خدای بخشنده، قرآن را یاد داد؛ انسان را تفهیم و به او سخن گفتن آموخت.

۳- آسمان را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند؛ ولی انسان آن را برداشت. بن‌کمان او سنگری نهدان بود.

۴- آدمی (زیر زبانش پنهان است).

۵- ارزش هر انسانی به چیزهایی است که آن را می‌داند.

۶- از مهربانی خدا نومید نشوید؛ زیرا جز قوم کافر کسی از مهربانی خدا نومید نمی‌شود.





## الدَّرْسُ التَّاسِعُ



تَأْيِيرُ الْأَلْوَانِ



## الدَّرْسُ التَّاسِعُ

المُعْجَم: (٢٦ كلمة جديدة)

أَحْسَنُ:	بِهْتَر، بَهْتَرِين	سَخَاءٌ (سَخَاوَةٌ):	بِهْتَدِدِكِي
إِعْتَقَدَ:	اِعْتَقَدَ دَاشْت (مَضَارِع: يَعْتَقِدُ)	سَمَاوِيٌّ:	آسْمَالِي
أَمْكِنُ:	اِمْكَان دَاشْت (مَضَارِع: يُفْكَلُ)	طَازِجٌ:	تازِه
اَلنِّبَاهُ:	تَوْجِه	طَيَّارٌ:	خَلْبَان
يَتَفَسَّحِي:	بِفَش	عَصِيْرُ الْفَاكِهَةِ:	أَبِصَوَه
تَعَبٌ:	خِستَكِي	عَازَةٌ:	حَمَلَه «مَخَارَاتِ اَبِلَيْتَه: حَمَلَاتِ شَبَابَه»
تَصَوِّبُ:	جَبْرَان كَرْدَن	فَيْسُرٌ:	پوست
تَلَوِينُ:	رَنگِ اَمِيزِي	قَلْبٌ:	كَم شَد (مَضَارِع: يَغْلِبُ)
تَتَاوَلُ:	خورد (مَضَارِع: يَتَنَاوَلُ / مَصْدَر: تَنَاوَلُ)	لَيْمُونٌ:	لِيمو
جَزْرٌ:	هَوِيج	مُخْلِطٌ:	خَشَك، خَشَكِ شَدِه
حَرَكَ:	تَحْرِيك كَرْد (مَضَارِع: يُحْرَكُ)	شَمِشٌ:	زرد آلو
حَلِيْبَةٌ:	شِير	مُهْدِيٌّ:	آرَامِ بَخْش
خَطَا:	خَطَا «جَمْع: اَخْطَا، خَطْلُوَّةُ: خَطَايِش»	وَرَعٌ:	پارسايِي

## نصوص حول الصحة

أفضل الألوان:

بعض الناس يظنون بأن الألوان **للثلاثين** أو للرسم أو للترتيب فقط. ولكن هل سألنا أنفسنا يوماً:

«هل **يمكن** معالجة الأمراض بالألوان؟ ما هو تأثير الألوان المختلفة؟»

**يعتقد** بعض العلماء أن للألوان تأثيراً علينا. إن أحب الألوان إلى العين، الألوان الطبيعية التي نشاهدها حولنا في الليل والنهار وهي اللون الأخضر واللون الأزرق **السمائي** ثم اللون الأصفر مثل لون بعض أوراق الخريف.

أما اللون الأحمر، **فتشعر** بال**تعب** عندما تنظر إليه؛ لأنه **يحرك** الأعصاب. فحانوق المرور **يستخدمه** في الأماكن التي بحاجة إلى **الانتباه** كإشارات المرور؛ أما غرف النوم، فالأفضل فيها استخدام الألوان **العهدنة** للأعصاب كاللون **البنفسجي**.

فيتامين (A):

من فوائد فيتامين «A» زيادة وزن الأطفال وهو مفيد للعينين وكان **الطياريون** في الحرب العالمية الثانية **يتناولونه** قبل ابتداء الغارات الليلية وهذا الفيتامين موجود في الثباتات والقواكه باللون الأصفر ك**المشمش** و**الجزر** و**قشر البرتقال**.



فيتامين (C):

يوجد هذا الفيتامين في الحليب الطازج، ولكنه لا يوجد في الحليب المجفف، و الأطفال الذين يتناولونه وخذوه، في أكثر الأوقات يحدث لهم ضعف في الساقين، و يمكن تعويض هذا النقص في التغذية بتناول عصير الليمون أو عصير البرتقال.



با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.



۱. كان الطيارون في الحرب العالمية الثانية يتناولون فيتامين «A» قبل ابتداء الغارات الليلية.



۲. يمكن تعويض الضعف في الساقين في الأطفال بتناول الرز.



۳. الأسود أفضل لون مهدي للأعصاب في عرف النوم.



۴. لا يعتقد العلماء أن للألوان تأثيراً علينا.



۵. يوجد فيتامين «C» في الحليب الطازج.



ساعت خوانی

(الخامسة 0 - الخامسة والرابع 0:10 - الخامسة إلا ربعاً 0:45)

كم الساعة الآن؟



الساعة إلا ربعاً



الساعة والرابع



الساعة تماماً

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید)

الخامسة تماماً / الواحدة والرابع / النصف / النصف والرابع

العاشرة والرابع / الثالثة إلا ربعاً / السادسة إلا ربعاً

الرابعة والنصف / الثامنة إلا ربعاً / العاشرة تماماً











ساعت خوانی:

۱. ساعت کامل:

مثال: **الواحدة تماماً** / **الثانية تماماً** / ...

۲. ساعت کامل به اضافه نیم و ربع:

مثال: **الرابعة و النصف** / **الخامسة و الربع** / ...

۳. یک ربع مانده به ساعت کامل:

مثال: **السابعة إلا ربعاً** / **الثامنة إلا ربعاً** / ...



ترجمه کنید.

_____	العاشرة والرُبْع:	_____	الحادية عشرة تماماً:
_____	الواحدة والنصف:	_____	الثانية عشرة تماماً:

### توجه

در زبان ادبی عربی، هنگام بیان ساعت، عده‌های ترتیبی مؤنث به کار می‌رود؛ جز در ساعت «یک» که «الواحدة» گفته می‌شود.

### آزمایش

#### ۱ الثَّمَرِينِ الْأَوَّلِ:

توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه‌ها از متن درس است؟

۱. فَاكِهَةٌ شَبِيهَةٌ بِالْبُرْتُقَالِ؛ وَلَكِنَّهَا أَصْغَرُ مِنْهُ.
۲. عَلَامَاتٌ لِلسَّائِقِ وَ الْعَابِرِ فِي الطَّرِيقِ:
۳. الْهَجُومُ بِالطَّائِرَةِ عَلَى الْعَدُوِّ فِي اللَّيْلِ:
۴. أَحْسَنُ صِفَةٍ لِلْحَلِيبِ:
۵. اسْمُ سَائِقِ الطَّائِرَةِ:
۶. هَاءُ الثَّمَرِ:

در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

أخضر - أحمر - أزرق - أبيض - أصفر - أسود



الفرس الـ \_\_\_\_\_ جنب ساحل البحر.



هذا البستان الـ \_\_\_\_\_ جميل.



الرمان الـ \_\_\_\_\_ فاكهة الحنة.



الطائر الـ \_\_\_\_\_ على خشبة.



اللون الـ ..... علامة النظافة و الصفاء.



في العنب الـ ..... فيتامينات كثيرة.

### ٣ التفرين الثالث:

باتوجه به تصوير پاسخ دهید.

في الساعة السادسة مساءً / في الساعة الثانية عشرة

في الساعة الثامنة ليلاً / في الساعة التاسعة صباحاً



متى صعدت أذان الظهر؟



متى ذهبوا إلى ساحة الحرب؟



مَنْ تَذْهَبْنَ إِلَى الْمُنْتَحَفِ؟



مَتَى تَتَنَاوَلُ عَشَاءَكَ؟

#### ٤ الثَّمَرِينَ الرَّابِعُ

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است»

إِشْرَوبُ - الْجَزَرُ - تَعَبٌ - مُهْدِئَةٌ - الْمِشْمِشُ - تَحْوِیضٌ - الْإِنْتِبَاهُ

١. كَتَبَ الطَّيِّبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوباً \_\_\_\_\_ لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

٢. \_\_\_\_\_ عَصِيرَ الْيَمُونِ وَ الْبُرْتُقَالِ لِصِحَّتِكَ.

٣. عِنْدَمَا نُنْظَرُ إِلَى النُّورِ الْأَحْمَرِ؛ نَشْعُرُ بِال\_\_\_\_\_.

٤. إِنَّ \_\_\_\_\_ مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعَيُونِ.

٥. نَمَرَ \_\_\_\_\_ فِي بَدَايَةِ الصَّبِيِّ.

## ٥ التفرين الخامس:

هر كلمه را به توضیح مناسب آن وصل كنيد. «در كلمه اضافه است.»

- |   |  |  |   |                                      |                                  |          |           |
|---|--|--|---|--------------------------------------|----------------------------------|----------|-----------|
| ١. الشهباء  | ٢. المتحف                                      | ٣. التلويح                                     | ٤. العاقل                                     | ٥. الطازج                            | ٦. الشاجن                        | ٧. الرئم | ٨. الأزرق |
| ● فُدرَةُ عَرَضٍ ' الأَشْيَاءِ بِالْحَطُوطِ وَ الأَلْوَانِ. | ● مَكَانٌ لِحِفْظِ الأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. | ● لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ. | ● صِفَةُ حَسَنَةِ اللَّحْيِبِ وَ العَاكِفَةِ. | ● مَا بَيْنَ الصُّبْحِ وَ اللَّيْلِ. | ● إعْطَاءُ الأَلْوَانِ لِشَيْءٍ. |          |           |

## ٦ التفرين السادس:



كلمات مترادف و متضاد را معلوم كنيد.

استلم	دفع	تعال	إذهب	حرب	صلح	أحسن	أفضل
إشارات	علامات	بعثة	فجأة	قوت	حياة	قل	كثُر
تناول	أكل	فبح	حُسن	سَمَر	كَمَم	زرع	تقوى
رَسَبَ	تَجَحَّحَ	إعطاء	أخذ	فَرَحَ	سُرُودَ	أبيض	أسود
دُكَّانَ	مَحَلَّ	يَنْقُصُ	يَزِيدُ	رَكِبَ	نَزَلَ	صَغُرَ	كَبُرَ

١- عرض: عرضه کردن، نمایش دادن، نشان دادن

٢- صافیه: صاف، پاک و بی آلودگی

## كُنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانيد و ترجمه كنيد!

١. الْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَمْوَالِ أَحْسَنُ، وَالشُّجَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الْعَظِيمُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْمُتَفَرِّغِ أَحْسَنُ، الشُّبُهَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي السُّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.



---

---

---

---

---

---

---

---

١- اَلْحَقُّ الْمَأْمُورُ مِنْ رَبِّهِ الْبَرُّ وَالْإِنْسَانُ الْفَاسِقُ مِنَ الْمَرْئِيَّةِ عَقْلِي مَا رَأَى



٢. مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ، وَمَنْ كَثُرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.



---

---

---

---

---

---

د. قَطْوُهُ : فَطَّلِح (حَقًّا • ن) .  
ج. حَيَاؤُهُ : شِيم (بِدَّة • د) .

– در اینترنت جست‌وجو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی درباره‌ی خواص یکی از میوه‌ها بیابید.

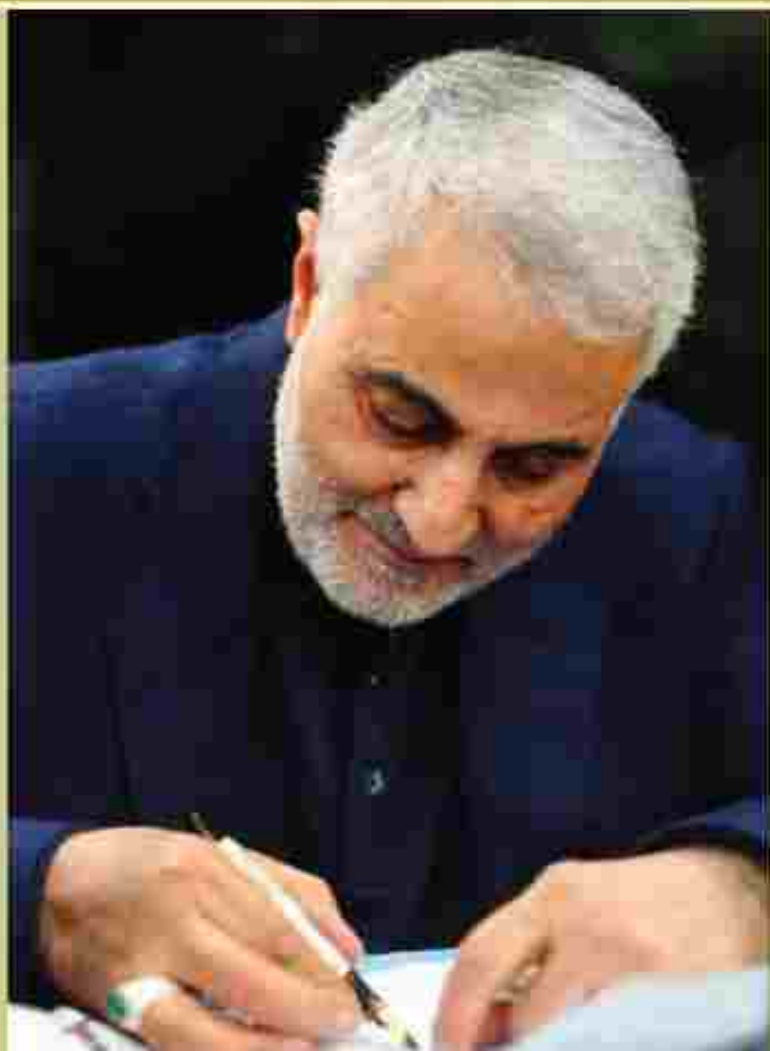
– نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی، زبان قرآن آمده است؟  
نام کدام یک از آن‌ها در قرآن آمده است؟





## الدَّرْسُ العَاشِرُ

رسالة الشهيد سُلَيْماني



## الدَّرْسُ العَاشِرُ

المُعْجَم: (١٩ كلمة جديدة)

اتصال:	تواصل كرتين	الخامسة عشرة:	پانزدهم
أزواج:	خواهش می‌کنم	دون إديكم:	بدون اجازه شما
استخدم:	به کار گرفت	عائلة:	خانواده = أسرة
أضرار:	زیان‌ها «مفرد»: ضرره	لأني شيء:	برای هر چیزی
التزام:	پایبندی	لحق بيتكم:	به خانه شما رسیده است
أهديت:	هدیه کردم	مستعد:	آماده
تحرير:	آزادسازی	تسير:	حرکت می‌کنیم (ساز: حرکت کرد)
تعرفوني:	مرا می‌شناسید	يُمكن القول:	می‌شود گفت
تمن:	بها = بخت، طبعه	يلهض:	برمی‌خیزد (ماضی: نهض)
حاسوب:	رایانه		

## رسالة الشهيد سليمان

كتب الشهيد الحاج قاسم سليمان رسالة لصاحب المنزل الذي استخذه كمقر له خلال عمليات تحرير «البوكمال» في سورية، يظهر فيها تواضعه و التزامه بالحق.

بسم الله الرحمن الرحيم

من قاسم سليمان إلى العائلة العزيزة و المحترمة. السلام عليكم.  
إنكم تعرفوني حقاً نحن المجاهدين ساعدنا المسلمين من أهل السنة في جميع العالم.

نحن شيعة و **يَعَكِرُ القول** بأننا من أهل السنة؛ لأننا **نسى** على سنة رسول الله ﷺ،  
و نعمل بها.

و انتم شيعة لأنكم تحبون أهل البيت **عليهم السلام**.  
لقد عرفتم من خلال وجود كتاب القرآن الكريم و صحيح البخاري و الكتب الأخرى في بيتكم أنكم متدينون؛ لهذا أطلب منكم شيئين:  
الأول: **أرجو** منكم المَعذرة؛ لأننا جعلنا بيتكم مقراً لنا **دون** إبتدئكم.  
الثاني: أرجو منكم طلب الضرر الذي **أحق** ببيتكم. فنحن **مستعدون** لدفع **الدمر**.

.....

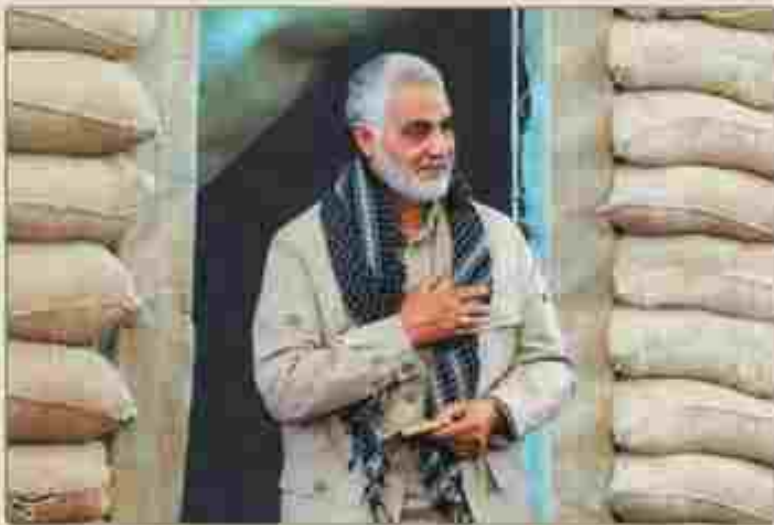
نَحْنُ صَلْبِينَا فِي بَيْتِكُمْ، وَ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ وَ **أَعْلَيْتُ** ثَوَابِهَا لَكُمْ وَ طَلَبْتُ مِنَ اللَّهِ  
حُسْنَ الْعَاقِبَةِ لَكُمْ.

نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَى دُعَائِكُمْ.

رَجَاءً، أَطْلُبُوا مِنِّي تَحْتِ الْأَضْرَارِ، فَهَذَا رَقْمُ هَاتِفِي فِي إِيرَانَ، أَرْجُو مِنْكُمْ **الِاتِّصَالُ** بِي،  
وَ أَنَا **مُسْتَعِدٌّ لِأَيِّ شَيْءٍ** تُرِيدُونَهُ.

رَقْمُ الْهَاتِفِ: .....٠٠٩٨٩١٢

إِيَّاكُمْ، أَوْ أَحِبَّائِكُمْ، سَلِيمَانِي.





با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. مَا الْعَمَلِيَّاتُ الَّتِي اسْتَحْدَمَ الشَّهِيدُ مَنْزِلًا مِنْ مَنَازِلِ النَّاسِ فِيهَا؟
۲. مِنْ أَيْنَ عَرَفَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي بِأَنَّ صَاحِبَ الْمَنْزِلِ مُتَدَبِّرٌ؟
۳. هَلْ كَتَبَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي رَقْمَ هَاتِفِهِ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟
۴. لِمَاذَا اسْتَحْدَمَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي مَنْزِلًا فِي الْبُوكَمَالِ؟
۵. مَاذَا يَظْهَرُ مِنْ خِلَالِ قِرَاءَةِ رِسَالَةِ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي؟
۶. مَنْ كَتَبَ رِسَالَةَ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟

## التعمير العامة

### ١ الثغرين الأول:

سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. عاقبت، جوینده یابنده بود.  
الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار  
أَسْرَرْتُ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَدَّهَبَكَ. چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی  
مَنْ حَفَرَ بَيْتًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا. عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنیور بی عمل.  
الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ. تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد  
مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ دَشْمَنُ دَانَا كَمَا غَمَّ جَانُ بَدَّ. بهتر از آن دوست که نادان بود  
لِكُلِّ جَدِيدٍ لَدُنُّهُ. در بیان این سه، کم جنبان لبث از ذهاب و از ذهب و از مذهب

## ۲. التّفريغُ الثاني:

ضرب المثل های زیر را ترجمه کنید.

۱. عُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ.

۲. مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْضُدُ فِي الْآخِرَةِ.

۳. مَنْ طَلَبَ أَخًا بِلا عَيْبٍ بَقِيَ بِلا أَعٍ.

۴. هَذَا الْقَرَسُ وَهَذَا الْقَيْدَانُ.

۵. يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا.

## ۳. التّفريغُ الثالث:

کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

- |                                  |                                      |                                   |                                     |                       |
|----------------------------------|--------------------------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|-----------------------|
| <input type="radio"/> المَطَرُ   | <input type="radio"/> الضَّحِيفَةُ   | <input type="radio"/> الصُّورَةُ  | <input type="radio"/> العَرَبِيَّةُ | ۱. السُّحَابُ         |
| <input type="radio"/> الرَّاكِدُ | <input type="radio"/> الأَبْحَاثُ    | <input type="radio"/> العُرُوسُ   | <input type="radio"/> الصُّومُ      | ۲. حَفْلَةُ الزَّوْجِ |
| <input type="radio"/> الأَسَدُ   | <input type="radio"/> الرُّاسِبُ     | <input type="radio"/> الجُّسُورُ  | <input type="radio"/> الرِّيحُ      | ۳. عَصَفْتُ           |
| <input type="radio"/> النَّبَاتُ | <input type="radio"/> البَطَّارِيَةُ | <input type="radio"/> العُضْبَانُ | <input type="radio"/> الرُّجَاجَةُ  | ۴. الكَهْفَرِيَاءُ    |
| <input type="radio"/> الطَّرِيفُ | <input type="radio"/> العَمِيقُ      | <input type="radio"/> الحَرِيقُ   | <input type="radio"/> القَرِيقُ     | ۵. الدُّخَانُ         |
| <input type="radio"/> قَرَعَ     | <input type="radio"/> لَجَّ          | <input type="radio"/> كَثَرَ      | <input type="radio"/> نَهَضَ        | ۶. البَابُ            |

#### ۴. التفرین الرابع:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است»

اجْعَلْ - الثَّقَاغِدُ - فَرِيضَةٌ - تَمَوْتُ - الْأُمّهَاتِ - الْعَمْرُ - سَقَاوَةٌ - أَنْفَعُهُمْ

۱. اِغْتَلْ لِنُدُنِيَاذِهِ كَمَا أَنْتَ تَعْمَلُ أُنْدَا وَ اِغْتَلْ لِأَخْرَجْتَهُ كَمَا أَنْتَ \_\_\_\_\_ عَمْدًا.
۲. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ \_\_\_\_\_ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ.
۳. إِذَا فُذِرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَـ \_\_\_\_\_ الْعَفْوُ عَمَّا تُكْرَأُ لِلْفُذْرَةِ عَلَيْهِ.
۴. اُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَتَوَّ بِالضَّمِيرِ فَإِنَّ ظَلَبَ الْعِلْمِ \_\_\_\_\_.
۵. أَفْضَلُ النَّاسِ \_\_\_\_\_ لِلنَّاسِ.
۶. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ \_\_\_\_\_.

#### ۵. التفرین الخامس:

در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی			
_____	_____	۲. اِثْنَانِ	۱. وَاحِدٌ
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____

عددهای ترتیبی			
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____
_____	_____	_____	_____

## ٦ الثَّمَرِينِ السَّادِسُ:

هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

١. جَرِيَانُ فَطْرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الحُزْنِ أَوْ الوَجَعِ.      البُكَاءُ      النِّيَابَةُ
٢. مَرَكَزُ التَّلْعِيمِ العَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ.      المَسْتَشْفَى      الجَامِعَةُ
٣. شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الجَامِعَاتِ.      الشَّرْطِي      الطُّلَابُ
٤. طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي شَمَالِ إِيْرَانِ.      الرُّزْمَعُ الشَّمَكِ      الشَّايِ الحَارُّ
٥. فَصَلٌ يَأْتِي بَعْدَ الحُصِيْفِ.      الرُّبِيْعُ      الحَرِيْفُ

## ٧ الثَّمَرِينِ السَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

حَدَادُونَ - شُرَطِيَانِ - نَاقِلَتَيْنِ - سَيِّدَاتٌ - أَضْرَارٌ - نِيَابَةٌ - تَحْرِيرٌ

	مفرد مذکر
	مفرد مؤنث
	مثنای مذکر
	مثنای مؤنث
	جمع مذکر سالم
	جمع مؤنث سالم
	جمع مکسر

## ۸ الثغرين الثامن:

ترجمه کنيد و نوع فعل های مشخص شده را بنويسيد.

۱. يا ولدي، لا تيأس في حياتك. أنت **تقبر**. **أطلب** و اجتهد.

۲. يا بنتي، اضحكي للحياة. لا **تخزني**. أنت **فائزة**. **ستتجحين** غداً.

۳. **أنصروا** أصدقاءكم و لا تتركوهم في العشاكيل. فهم **سوق** يساعدونكم أيضاً.

## ۹ الثغرين التاسع:

با توجه به متن زیر، جمله های درست و نادرست را معلوم کنيد.

حامدٌ ولدٌ ذكيٌ و هو في **الخامسة عشرة** من العمر. هو يكتُب و اجابته المدرسية مساءً. **ينهض** صباحاً في الساعة السادسة إلا ربعاً، و بعد الصلاة يتناول فطوره في الساعة السادسة و النصف. في يوم من الأيام، اشترى والده **حاسوباً** له و سمح له بالدخول في الإنترنت في اوقات الفراغ. فرح حامدٌ بهذه الهدية. بعد مدة سافر والده و والدته لمهمة إدارية لمدة يومين. قال حامدٌ لأبيه و أمه: «سأبحثُ بحثاً عميقاً في الإنترنت.»

جلس حامدٌ خلف الحاسوب و لعب ساعات كثيرة، و في اليوم التالي نهض في الساعة السابعة إلا ربعاً. ما أكل الفطور و ما غسل وجهه و خرج من البيت و ركب حافلة المدرسة.

كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الضُّفَى.

فَجَاءَ سَمِعَ صَوْتَ الْمُعَلِّمِ:

«أُرِيدُ مُشَاهَدَةَ وَاجِبَاتِكُمْ.»

فَتَحَّ حَامِدٌ حَقِيبَتَهُ وَفِيهِمْ بَأَنَّ الدُّفْعَةَ لَيْسَ لَهُ، بَلْ لِأَخِيَّتِهِ. فَنَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ:

«يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنْتَظِمًا!»



١. اشترى والد حَامِدٍ حاسوباً له.

٢. حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنْ الْعُمْرِ.

٣. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ ظَهْرًا.

٤. بَحَثَ حَامِدٌ عَنِ مَوْضُوعِ رِيَاضِي فِي الْإِنْتَرْنِتِ.

٥. سَافَرَ وَالِدُهُ وَوَالِدَتُهُ لِغَهْمَةِ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ شَهْرَيْنِ.





إِلَى اللِّقَاءِ  
فِي الصَّفِّ العَاشِرِ؛  
فِي أَمَانِ اللّهِ ؛  
مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خفیه خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نوکاست، کتاب‌های درسی را با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند همکاران گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آکان محسن باهو نقش سازنده‌ای را برعهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اساسی دبیرانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند، به شرح زیر اعلام می‌شود:

اساسی دبیران برگزیده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن - پایه نهم - کد ۹۰۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	معصومه سینداز	چهارمحال و بختیاری
۲	حسنت یارسانیان	البرز
۳	پروانه حق‌قلی	گلستان
۴	عبدالرضا سبختیان	گلستان
۵	ملیحه کوفی مقدم	خراسان جنوبی
۶	مختار اسدی دوستکلی	چهارمحال و بختیاری
۷	پدالله اربابی کرغند	خراسان جنوبی
۸	سحمد ولی‌پور	کادریانپهل کرفی
۹	امیر ایران‌نژادچی	تهران
۱۰	دیمان لیلی	گلستان
۱۱	رنا احمدی	قزوین
۱۲	مجید آیشی خلیلی	قزوین
۱۳	الهام ترابی	آذربایجان شرقی
۱۴	زهرا مظفری	مازندران